

خسکان عشق را ایام درمان خواهد آمد
غم مخور آخر طیب در دمندان خواهد آمد



محمد علی محمدی نیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد
غم مخور آخر طیب دردمندان خواهد آمد

محمدی‌نیا، محمدعلی، ۱۳۴۵ -

خواهد آمد / مؤلف محمدعلی محمدی‌نیا. - قم: پرتو خورشید، ۱۳۹۰.

ISBN: 978-964-2743-65-0

۱۴۴ ص.

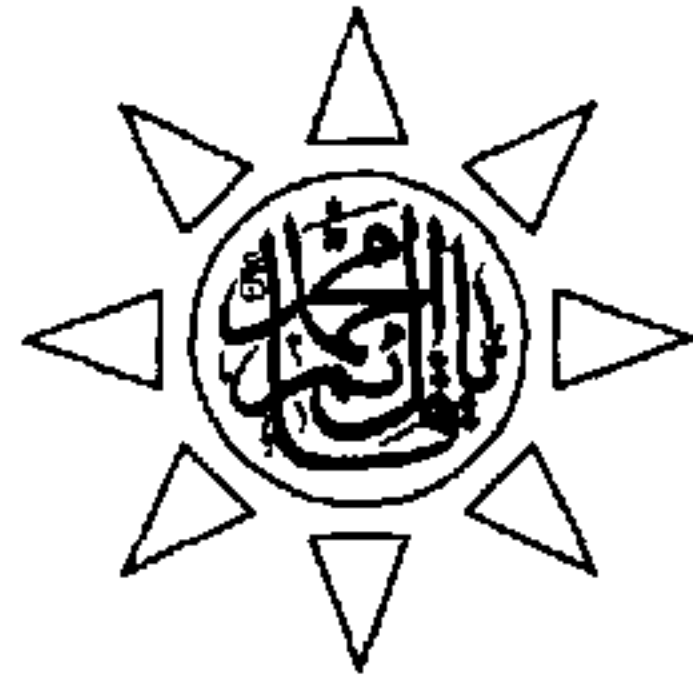
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - ۲. مهدویت. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۹

۹ خ ۳ م / BP ۵۱



خواید آمد



محمد علی محمدی نیا



انتشارات پرتو خورشید

نشانی: قم - خیابان صفائیه - کوچه ۳۷ - کوچه ۵ - پلاک ۱۶۲
صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفن: ۹۱ - ۷۸۳۵۰۹۰ - تلفکس: ۷۷۴۱۰۶۵ (۰۲۵۱)
همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

خواهد آمد

ناشر: انتشارات پرتو خورشید ■ مؤلف: محمد علی محمدی نیا
طرح جلد و صفحه آرا: مرتضی فتح‌اللهی ■ لیتوگرافی: نویس
چاپ: علوی ■ شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه ■ نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۰
بها: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۰ - ۶۵ - ۲۷۴۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸
کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

مراکز پخش

فروشگاه اینترنتی کتاب:

www.sababook.com

پخش کتاب دریای دانش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوی فاتحی
داریان، پلاک ۱۴ / تلفن: ۷ - ۶۶۹۷۷۹۶۴ (۰۲۱) همراه: ۰۹۱۲۱۷۲۵۸۰۰
پخش کتاب پرتو: شیراز، شاهچراغ علیه السلام، بلوار شهید آیت الله دستغیب، کوچه مسجد فتح
تلفن: ۲۲۳۰۷۱۷ - ۲۲۳۱۱۰۰ - ۲۲۴۹۸۳۱ - ۲۲۴۹۸۳۱ - ۲۲۴۹۸۳۱ - ۲۲۴۹۸۳۱ - ۲۲۴۹۸۳۱ - ۲۲۴۹۸۳۱
همراه: ۰۹۱۷۱۱۳۵۱۱۸

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
دعای تعجیل فرج.....	۱۳
خصوصیات آخر عمر امام حسن عسکری علیه السلام.....	۱۴
فرزند امام حسن عسکری علیه السلام.....	۱۴
گذری بر زندگی امام دوازدهم حضرت مهدی (عج).....	۱۶
ویژگیهای زندگی حضرت مهدی (عج).....	۱۶
غیبت صغرا و غیبت کبرا.....	۱۸
دلیل عقل بر صدق امامت حضرت مهدی (عج).....	۱۹
روایات و مسأله امامت حضرت مهدی (عج).....	۲۱
بشارت خداوند متعال در قرآن.....	۲۴
بشارت پیامبر خدا(ص) از مهدی (عج).....	۲۵
بشارت حضرت علی علیه السلام از مهدی (عج).....	۲۶
بشارت امام حسن علیه السلام از مهدی (عج).....	۲۷
بشارت امام حسین علیه السلام.....	۲۸
بشارت امام زین العابدین علیه السلام.....	۲۹

- ۲۹..... بشارت امام محمد باقر علیه السلام
- ۳۰..... بشارت امام جعفر صادق علیه السلام
- ۳۲..... بشارت امام موسی الکاظم علیه السلام
- ۳۳..... بشارت امام رضا علیه السلام
- ۳۵..... بشارت امام جواد علیه السلام
- ۳۶..... بشارت امام هادی علیه السلام
- ۳۷..... بشارت امام حسن عسکری علیه السلام
- ۳۸..... اثبات وجود امام دوازدهم
- ۴۳..... آیا کودک می تواند امام باشد؟
- ۴۴..... نمونه‌ی عینی در عصر حاضر:
- ۵۰..... بزرگ منشی امام جواد در کودکی
- ۵۱..... تلفظ به نام مهدی (عج)
- ۵۱..... فوائد غیبت طولانی
- ۵۲..... اقامتگاه و مرکز ظهور امام مهدی (عج)
- ۵۴..... عمر طولانی
- ۵۴..... دجال و سفیانی
- ۵۶..... چگونگی مقابله با ابر قدرت‌ها
- ۵۸..... نشانه‌های ظهور
- ۵۹..... خروج سید حسنی
- ۶۰..... شهادت نفس زکیه
- ۶۰..... مدت حکومت حضرت مهدی (عج)
- ۶۱..... چگونگی رحلت حضرت مهدی (عج)
- ۶۲..... آیا آن حضرت قیام مسلحانه می کند؟

فهرست مطالب ■ ۷

- ۶۳.....حکومت و ویژگی‌های امام مهدی (عج)
- ۶۵.....پیشرفت‌های تربیتی در عصر قائم (عج)
- ۶۵.....پیشرفت‌های کشاورزی و اقتصادی
- ۶۶.....اسماء و القاب حضرت
- ۷۲.....شکل و شمایل حضرت
- ۷۴.....خصائص حضرت صاحب الزمان (عج)
- ۸۶.....گل نرگس
- ۸۶.....حضرت در میان اهل سنت
- ۸۷.....۱- نظریه علمای وهابی:
- ۸۸.....۲- نظریه دو تن از علمای شافعی:
- ۸۹.....۳- نظریه علمای حنبلی:
- ۸۹.....۴- نظریه یکی از علمای مالکی:
- ۹۰.....۵- نظر یکی از علمای حنفی:
- ۹۰.....خطبه‌ی غدیر و مهدی موعود
- ۹۳.....قضیه انار و وزیر ناصبی در بحرین
- ۹۷.....غیبت صغری و نائبان چهارگانه
- ۹۹.....آغاز غیبت کبری
- ۱۰۰.....ماجرای سرداب
- ۱۰۲.....ارتباط با ناحیه‌ی مقدسه امام زمان (عج)
- ۱۰۳.....کودک تبر زین به دست
- ۱۰۴.....ملاقات حسن بن نصر با امام زمان (عج)
- ۱۰۶.....نامه‌ی امام عصر (عج) به ابن مهزیار
- ۱۰۷.....دستور نگرفتن سهم امام، به خاطر حفظ جان نمایندگان

- ۱۰۸..... راز پذیرفته نشدن سهم امام
- ۱۰۸..... استجابت دعا و لطف امام زمان (عج) در حق بیمار
- ۱۰۹..... انتظار فرج
- ۱۱۰..... انتظار یعنی خود سازی
- ۱۱۱..... جایگاه رفیع منتظران واقعی
- ۱۱۳..... پاداش کسی که در حال انتظار بمیرد؟
- ۱۱۴..... مقام حضرت مهدی (عج) از دیدگاه امام حسین علیه السلام
- ۱۱۵..... تشرّف حاج علی بغدادی به محضر امام عصر (عج)
- ۱۲۴..... حضرت از تمام اعمال و حرکات ما آگاه است
- ۱۲۵..... اکنون بینیم ثمره شناخت حضرت چیست؟
- ۱۲۶..... ابو الادیان و راهنمایی امام حسین عسکری علیه السلام
- ۱۳۳..... مرگ کفر و جاهلیت
- ۱۳۳..... نیاز به امام هنگام مرگ
- ۱۳۴..... آخرین لحظات امام شناسی
- ۱۳۵..... طلوع خورشید از کعبه
- ۱۳۷..... مضطر کیست؟
- ۱۳۸..... مرثیه حضرت، هنگام ظهور
- ۱۳۹..... تشنگی
- ۱۴۱..... به امید ظهور دولت یار
- ۱۴۲..... دعای عهد

مقدمه

بِسْمِ رَبِّ الْمَهْدِيِّ

عن الرسول ﷺ: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۱

السَّلَامُ عَلَي مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلِّ الْأَعْدَاءِ؛

السَّلَامُ عَلَي وَارثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ؛

السَّلَامُ عَلَي الْقَائِمِ الْمُتَنْظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ؛

السَّلَامُ عَلَي الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ؛

در یک ماه، یکی دو جلسه صبح های جمعه در هیئت ابوصالح
المهدی علیه السلام شیراز بعد از دعای ندبه سخنرانی می کردم. دوستی گفت:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۸۲. یعنی: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بمیرد و امام زمانش را
نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

«چرا با وجود این که روز متعلق به آقا امام زمان علیه السلام و دعا، مختص حضرت و هیئت به نام ایشان است، اما در مورد همه چیز صحبت می کنید، الا وجود نازنین مهدی زهرا (عج).»

حقیر از آن به بعد تصمیم گرفتم که صحبت هایم را حول محور مهدویت بیان کنم و با توجه به توصیه ی یکی از مراجع تقلید علیه السلام مبنی بر نوشتن کتاب در مورد امام دوازدهم، تفالی به قرآن زدم. آیه ی ۱۵۷ سوره ی اعراف آمد:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا
عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ
إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۗ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ
وَعَزَّزُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ
الْمُقْلِحُونَ ۗ»^۱

دلَم محکم شد.

بنابراین قبل از هر جلسه ی سخنرانی، مطالب را در دفتر می نوشتم که بعد از سه سال به این صورت در آمد.

۱. هم آنان که پیروی کنند از آن رسول ختمی و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست نام و اوصاف او را نگاهشته می یابند که آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می گرداند و احکام پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر بر گردن خود نهاده اند از آنان برمی دارد (و دین آسان و مطابق فطرت بر خلق می آورد). پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند، آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

این کتاب تکمیل شده کتاب قبلی اینجانب بنام طلوع مهر امام غائب عج است که با توجه به اضافات و دسته بندیهای اصلاحی و تصحیح جدید با نام جدید به رشته ی تحریر در آورده و به چاپ می‌رسانم. مطالب کتاب، را، همه مستند و از کتاب‌های با ارزش: زندگی ۱۲ امام علامه حلی، منتهی الآمال، سیره ی چهارده معصوم علیهم‌السلام، منجی، مهدی از ظهور تا پیروزی، پیام نگار، آمال الواعظین و صحبت‌های بزرگان از علماء و مراجع تقلید جمع آوری کرده‌ام.

شاید دسته بندی مطالب خیلی منسجم نباشد، اما علاقه به منجی عالم بشریت و انتظار ظهورش که افضل عبادات است، بهترین مشوق بود که با همه ی مشغولیات، مطالب را انتخاب و با توجه به این که متن کتب مذکور معمولاً قدیمی و نا مفهوم بود آن‌ها را ویرایش کرده، روان نویسی نموده و کنار هم قرار بدهم. لذا در خیلی از جاها از توضیح دادن مطلب جهت خسته نکردن خواننده صرف نظر نمودم. از خوانندگان عزیز تقاضا دارم بنده را از رهنمودهای خود بی نصیب ننمایند.

جهت دادن پیشنهاد یا انتقادهای خود می‌توانید به وبسایت شخصی اینجانب به نشانی: www.mohamadinia.ir مراجعه نمایید.

در خاتمه از تمام عزیزانی که در جهت نشر این کتاب مرا یاری نمودند، مخصوصاً مدیر محترم انتشارات پرتو خورشید کمال تشکر و قدردانی را نموده و یاد و خاطره پدر عزیزم عبد صالح خدا، شاعر و مداح اهل بیت علیهم‌السلام مرحوم حاج میرزا احمد محمدی نیا که عمری را در

این هیأت با خواندن دعا و مداحی سپری نمود، گرامی می دارم.
این کتاب را به روح بلند بزرگ مرد تاریخ معاصر حضرت امام
خمینی علیه السلام و شهدای اسلام و تشیع تقدیم می کنم. والسلام علیکم و
رحمة الله وبرکاته.

محمد علی محمدی نیا

۲۰ فروردین ۱۳۹۰ برابر با پنجم جمادی الاولی ۱۴۳۲

مصادف با سالروز میلاد حضرت زینب کبری علیها السلام

شیراز شهر حرم اهل بیت علیهم السلام

دعاى تعجيل فرج

بسم الله الرحمن الرحيم.

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ ابْنِ الْحَسَنِ
صَلِّوْا تُكَ عَلَيِّهِ وَعَلَى اَبَائِهِ فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَّلِيًّا وَحَافِظًا وَ
قَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيْلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ
اَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيْلًا.

خصوصیات آخر عمر امام حسن عسکری علیه السلام

حضرت ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام در اوّل ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری، بیمار شد و در روز جمعه هشتم همین ماه در همین سال، به شهادت رسید، او هنگام شهادت، ۲۸ سال داشت و پیکر مطهرش را در «سامرا» در خانه خود کنار قبر پدر بزرگوارش، به خاک سپردند. پسرش حضرت مهدی منتظر (أَرْوَاحُنَا لَهُ الْفِدَاءُ) را که امید جهانیان برای تشکیل حکومت حقّ جهانی است، بجای گذارد.^۱

فرزند امام حسن عسکری علیه السلام

ولادت حضرت مهدی (عج) در پنهانی انجام شد و وجود چنین

۱. زندگی ۱۲ امام / علامه حلی ره (سایر خصوصیات آخر عمر امام حسن عسکری (علیه السلام)).

پسری را مخفی نمودند؛ زیرا خفقان و سانسور شدید حکومت طاغوتیان عباسی، همه جا را فرا گرفته بود و سلطان زمان در جستجوی آن حضرت بود و برای آگاهی از وضع او، بسیار تلاش می نمود و بخصوص در مذهب شیعه دوازده امامی، آمدن او شایع شده بود و همگان می دانستند که شیعیان در انتظار آمدن حضرتش بسر می برند، بر همین اساس، امام حسن عسکری علیه السلام در زمان حیاتش، آن فرزندش را آشکار نکرد و بیشتر مردم بعد از وفات آن حضرت نمی دانستند که او چنین پسری دارد.

برادر امام حسن عسکری علیه السلام که «جعفر» نام داشت (و بر اثر انحراف و دروغگویی، به «جعفر کذاب» معروف گردید) ارث آن حضرت را تصاحب کرد و در زندانی کردن کنیزهای آن حضرت و آزار رساندن به همسران آن حضرت کوشش کرد و به اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام که یقین به وجود پسر آن حضرت و اعتقاد به امامت او داشتند و در انتظار او بسر می بردند، ناسزا می گفت و از آنان بدگویی می کرد و دشمنی با آنان آغاز کرد و آنچنان آنان را ترساند که همه آنان را پراکنده نمود (با توجه به اینکه جعفر کذاب با حکومت عباسیان همدست شده بود) خلاصه اینکه: او نسبت به بازماندگان امام حسن عسکری علیه السلام شرایط بسیار سختی را پدید آورد، او باعث شد که آنان را زندانی کردند و به گند و زنجیر کشیدند و تهدید، تحقیر و توهین نمودند و انواع آزارها به آنان رساندند، ولی سلطان زمان (معتد یازدهمین خلیفه عباسی) با همه کوششهایش، به آن پسر بزرگوار

(حضرت مهدی علیه السلام) دست نیافت.

و در ظاهر، جعفر (کذاب) اموال امام حسن عسکری علیه السلام را برای خود برداشت و در میان شیعیان امام حسن علیه السلام کوشش بسیار کرد تا او را به عنوان امام دوازدهم به جای برادرش پذیرند ولی هیچیک از شیعیان، دعوت او را نپذیرفتند، حتی در این گمراهی، از سلطان زمان کمک خواست و اموال بسیار در این را خرج کرد و به هر جا که گمان می برد که می تواند از آن استفاده کند، دست انداخت، ولی نتیجه نگرفت و نقشه هایش نقش بر آب گردید.

برای جعفر در این رابطه در تاریخ، داستانها، روایات و مطالب بسیار، وجود دارد که برای رعایت اختصار در این کتاب مختصر از ذکر آنها خودداری شد، آن داستانها نزد شیعه دوازده امامی و آگاهان به تاریخ، معروف می باشد.

گذری بر زندگی امام دوازدهم حضرت مهدی (عج)

ویژگیهای زندگی حضرت مهدی (عج)

مقام امامت بعد از امام حسن عسکری علیه السلام به پسرش (حضرت مهدی علیه السلام) همنام و هم گنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و امام حسن عسکری علیه السلام در ظاهر و باطن، فرزندی جز او (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) نداشت و او را غایب و مخفی، بجای گذارد. (چنانکه در قسمت آخر حالات امام حسن عسکری علیه السلام خاطر نشان شد).

حضرت مهدی علیه السلام در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری (در شهر

سامرا) به دنیا آمد، مادرش «أم ولد» بود به نام «نرجس» (دختر یشوعا از ذریه شمعون یکی از حواریون حضرت عیسی علیه السلام بود) حضرت مهدی علیه السلام هنگام وفات پدرش، پنج سال داشت، خداوند به او در همان سن و سال، حکمت و مقام قضاوت را عنایت فرمود و او را نشانه و حجت جهانیان قرار داد، خداوند به او در کودکی حکمت آموخت چنانکه به حضرت یحیی علیه السلام در زمان کودکی حکمت آموخت. و نیز خداوند مقام امامت را به حضرت ابوصالح علیه السلام در کودکی عنایت کرد.

چنانکه به حضرت عیسی علیه السلام در آن هنگام که در گهواره بود، مقام نبوت عطا فرمود.

در مورد امامت حضرت مهدی علیه السلام قبل از تولدش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله تصریح شده بود چنانکه مسلمانان، آن را می دانستند و بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان علی علیه السلام به امامت آن حضرت تصریح فرموده است و همچنین امامان معصوم علیهم السلام یکی پس از دیگری، تا پدرش امام حسن عسکری علیه السلام به امامت او تصریح کرده اند و پدر بزرگوارش امام حسن عسکری علیه السلام نزد افراد مورد وثوق و خواص شیعیانش، تصریح به امامت آن بزرگوار نموده است.

و اخبار و روایات در مورد غیبت و پنهان شدنش و همچنین در مورد حکومت جهانیش، قبل از تولد و پنهان شدنش به طور مستفیض (بسیار) از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده است و در میان امامان علیهم السلام اوست که صاحب شمشیر است و به حق قیام می کند و همه در انتظار تشکیل

دولت ایمان (حکومت اسلامی جهانی او) بسر می‌برند.

غیبت صغرا و غیبت کبرا

حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور، دارای دو غیبت است:

الف: غیبت طولانی؛ که طولانی‌تر از غیبت (یعنی پنهانی) دیگر است، چنانکه روایاتی به این معنا آمده است.

ب: غیبت کوتاه: که از زمان تولد آن حضرت شروع شده و تا آن زمان که سفارت و نیابت خاصه سفیران و واسطه‌های او قطع شد، ادامه یافت (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری حدود هفتاد سال).

غیبت طولانی او بعد از غیبت کوتاه، شروع می‌شود و ادامه می‌یابد و در پایان آن، حضرت مهدی علیه السلام ظهور کرده و قیام به شمشیر می‌نماید.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُتِمِّكُنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَكَانًا يُحَدَّرُونَ﴾^۱

«اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنان، آنچه را بیم

دلیل عقل بر صدق امامت حضرت مهدی (عج) ■ ۱۹

داشتند از این گروه نشان دهیم».

و در مورد دیگر می فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾^۱

«ما در زبور (کتاب داوود) بعد از ذکر (تورات) نوشتیم
که بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند
شد».

رسول خدا ﷺ فرمود: «قطعا روزها و شبها نگذرد و جهان پایان نیابد
تا اینکه خداوند از خاندان من مردی را برانگیزد که او همانم من است،
سراسر زمین را پر از عدل و داد کند، همانگونه که پر از ظلم و جور
شده است»^۲.

دلیل عقل بر صدق امامت حضرت مهدی (عج)

یکی از دلایل، دلیل عقل است و عقل با استدلال صحیح حکم
می کند که در هر زمانی حتما نیاز به وجود امام معصوم (از گناه و
خطا) است که کامل باشد و در علوم و احکام، نیاز به کسی نداشته
باشد؛ زیرا محال است برای مکلفین، زمانی وجود داشته باشد که آنان
دارای حجّتی نباشند تا در پرتو او به صلاح نزدیک شوند و از تباهی
دور گردند و همه مستضعفان (آنان که دستشان به جایی نمی رسد و

۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. زندگی ۱۲ امام، علامه حلی (غیبت صفرا و کبرا).

مظلوم واقع شده‌اند) نیاز به کسی دارند که ستمگران و جنایتکاران را تأدیب کند، سرکشان را از نافرمانی به راه راست سوق دهد و آنان را از طغیان باز دارد، آموزگار نادان و هشیار کننده غافلان و ترساننده گمراهان و برپا دارنده حدود الهی و رساننده احکام باشد، صاحبان اختلاف و ستیزه جویان را از دیگران جدا سازد، نصب کننده فرمانروایان، نگهبان مرزها از گزند دشمن، حافظ اموال، پاسدار اساس اسلام باشد، مردم را در جمعه‌ها و عیدها به گرد هم آورد.

و دلایل استوار، ثابت می‌کند که چنین فردی با این ویژگیها، باید از هر گونه لغزش، معصوم باشد؛ زیرا او به اتفاق (آراء) از امام، بی‌نیاز است و چنین شخصی بدون شک، باید، دارای مقام عصمت باشد و قطعاً چنین فرد ممتازی باید با تصریح (پیامبر و امامان) ثابت گردد و دارای معجزات و نشانه‌های صدق باشد، تا او را از دیگران جدا نموده و مشخص گرداند.

و این اوصاف و ویژگیها در هیچ کس وجود نداشت، جز در آن کسی که اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام امامت او را بعد از امام یازدهم ثابت کردند و او تنها فرزند آن حضرت است چنانکه گفتیم و این دلیل عقلی یک اصل پابرجایی است، که با وجود آن نیازی به روایات و نصوص و تعداد اخبار نیست؛ زیرا خود این دلیل عقلی، امامت آن حضرت را ثابت می‌کند.

البته روایات بسیاری نیز وارد شده که به امامت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام صراحت دارند و این روایات آنچنان است که هیچ عذری

باقی نمی‌گذارد و این بنده به خواست خدا، به ذکر قسمتی از آن روایات با کمال اختصار - همچون سابق - می‌پردازم.

روایات و مسأله امامت حضرت مهدی (عج)

روایاتی که به طور اجمال و تفصیل بیانگر امامت حضرت صاحب الزمان، امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام رسیده بسیار است که در اینجا، قسمتی از آنها خاطر نشان می‌گردد:

۱ - «ابوحمزه ثمالی» می‌گوید: امام باقر علیه‌السلام فرمود: «خداوند متعال محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به سوی جن و انس (به عنوان پیامبر آنان) فرستاد و بعد از او، دوازده نفر وصی (برای او) قرار داد، که بعضی از آنان از دنیا رفته‌اند و بعضی مانده‌اند و هریک از آن دوازده وصی دارای سنت و برنامه مخصوص به خود است، روش اوصیایی که بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند و می‌آیند همچون اوصیاء حضرت مسیح علیه‌السلام است که دوازده تن بودند و امیر مؤمنان علی علیه‌السلام (در زهد و عبادت و ساده زیستی) همچون حضرت مسیح علیه‌السلام بود.»^۱

۲ - «حسن بن عباس» از امام جواد علیه‌السلام و او از پدرانش تا امیر مؤمنان علی علیه‌السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«أَمِنُوا بَلَيَّةَ الْقَدْرِ فَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِيهَا أَمْرَ السَّنَةِ وَإِنَّ لِدَلِكَ الْأَمْرِ وُلاةً مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ بِنِ ابِي طَالِبٍ وَآخِذَ عَشْرَ مِنْ وُلْدِهِ»؛

«به شب قدر معتقد شوید؛ زیرا در شب قدر، کار

۱. زندگی ۱۲ امام، علامه حلی.

(تقدیرات) سال فرود می آید و برای آن کار، بعد از من
 زمامدارانی هست که عبارتند از: علی ابن ابی طالب و
 یازده نفر از فرزندان^۱.

۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: «شب قدر در هر سالی،
 وجود دارد و در آن شب، کار (و تقدیرات) همه سال فرود آید (و
 مشخص گردد) و برای این کار، بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله زمامدارانی
 می باشد».

ابن عباس عرض کرد: «آن زمامداران کیانند؟».

امام علی علیه السلام فرمود: «من و یازده نفر از صلب من هستید که آنان
 امامانی می باشند که فرشتگان با آنان هم سخن شوند».^۲

۴- در حدیث «لُوح»، آمده که جابر بن عبدالله انصاری می گوید:
 «به حضور حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم، در نزد او
 لُوحی (صفحه‌ای) بود که نامهای اوصیاء و امامان از فرزندان او در آن
 (نوشته شده) بود، آنان را شمردم یازده نفر بودند، آخری آنان حضرت
 قائم علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام بود نام سه نفر از آنان «محمد» و نام سه نفر
 از آنان (علی) بود».^۳

۵- «ابو هاشم جعفری» می گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض
 کردم: «جلالت و هیبت شما مرا از سؤال کردن از شما باز می دارد

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، و حدیث ۵، ۶، ۷ همچنین.

اجازه می‌دهی از شما سؤال کنم؟

فرمود: «سؤال کن».

عرض کردم: ای آقای من! آیا فرزند داری؟

فرمود: آری.

عرض کردم: اگر برای تو پیش آمدی شد (و از دنیا رفتی) در کجا

از آن فرزند سؤال کنم؟

فرمود: «در مدینه».

۶- «عمرو اهوازی» می‌گوید: امام حسن عسکری علیه السلام فرزندش را به

من نشان داد و فرمود: «هَذَا صَاحِبُكُمْ بَعْدِي؛ بعد از من این است صاحب

و امام شما».

۷- «عمری» می‌گوید: «امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و

فرزندی از خودش بجای گذاشت».

۸- «ابوالقاسم جعفری» می‌گوید: «از امام هادی علیه السلام شنیدم می‌فرمود:

جانشین من حسن است و حال شما درباره جانشین بعد از او چگونه

است؟».

عرض کردم: قربانت شوم! از چه نظر؟

فرمود: «شما شخص او را نمی‌بینید و ذکر نامش برای شما روا

نیست».

عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟

فرمود: بگویید: «الْحُجَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛ حجت از خاندان محمد صلی الله علیه و آله».

اینها روایات اندکی از نصوص بسیار بر امامت امام دوازدهم علیه السلام بود،

که از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده است و روایات در این راستا بسیار است که حدیث شناسان شیعه، آنها را در کتابهای خود تدوین و تنظیم کرده‌اند، یکی از آنها که به طور مشروح، آن احادیث را در کتابی جمع آوری نموده است «محمد بن ابراهیم، ابو عبدالله نعمانی» است که در کتاب خود به نام «الغیبة» (غیبت نعمانی) آن روایات را آورده است، بنابراین، در این کتاب نیازی به ذکر آنها به طور مشروح نیست^۱

بشارت خداوند متعال در قرآن

خداوند در قرآن کریم به این صورت بشارت آمدن مهدی علیه السلام را

می‌دهد:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ
لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ
خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ
ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است به سودشان مستقر

۱. زندگی ۱۲ امام، علامه حلی

بشارت پیامبر خدا(ص) از مهدی(عج) ■ ۲۵

کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.^۱

بشارت پیامبر خدا(ص) از مهدی(عج)

ابن عباس می گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَاءِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي الْإِنِّي عَشْرٌ،
أَوَّلُهُمْ أَخِي وَآخِرُهُمْ وَلَدِي». قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ وَلَدُكَ؟
قَالَ ﷺ: الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا.
وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ
اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ، فَيُنزِلَ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى
بْنُ مَرْيَمَ فَيَصَلِّي خَلْفَهُ وَتَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ
الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»^۲

جانشین و وصی های من و حجّت های خدا بر مردم، پس از من دوازده نفرند، اول آنان برادرم و آخر آنان فرزندم می باشد. گفته شد: فرزندت کیست؟ فرمود: فرزندم آن مهدی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان گونه که با ظلم و جور پر خواهد شد.

سوگند به خدایی که مرا به حق، مژده دهنده مبعوث

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۰۷؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.

کرده است، اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا فرزندم مهدی علیه السلام در آن روز ظهور کند و حضرت عیسی پسر مریم از آسمان نازل شود، و در پشت سر او نماز بخواند و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و حکومت او به شرق و غرب برسد.

ابو سعید خدری حدیث مفصلی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که خلاصه‌ای از آن را ذکر می‌کنیم. حضرت به دخترش فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

«يَا بِنْتِي!... وَمِنَّا (وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ) مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ الَّذِي يَصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ، ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَيَّ مَنَكِبِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ: مِنْ هَذَا ثَلَاثًا»؛

دخترم!... به خدایی که جز او معبودی نیست، مهدی این امت که عیسی بن مریم در پشت سر او نماز خواهد خواند از ماست. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه بار دست مبارکش را بردوش امام حسین علیه السلام زد و فرمود: مهدی از نسل این حسین است.

بشارت حضرت علی علیه السلام از مهدی (عج)

حضرت علی علیه السلام در روایتی چنین فرموده‌اند:

«يُظْهَرُ صَاحِبُ الرَّايَةِ الْمُحَمَّديَّةِ، وَالدَّوْلَةُ الْأَحْمَدِيَّةِ، الْقَائِمُ

بشارت امام حسن علیه السلام از مهدی (عج) ■ ۲۷

بِالسَّيْفِ وَالْحَمَالِ الصَّادِقُ فِي الْمَقَالِ، يَمْهَدُ الْأَرْضَ وَيُنْجِي
السُّنَّةَ وَالْفَرَضَ؛^۱

پرچمدار محمدی و فرمانروای دولت احمدی و قیامگر به شمشیر
عدالت و راست گفتار و شایسته کردار، خواهد آمد و زمین و زمان را
برای برقراری عدالت و شکوفایی ارزش‌های اسلامی آماده خواهد
کرد و سنت‌های واجب و مستحب را زنده خواهد ساخت.^۱

بشارت امام حسن علیه السلام از مهدی (عج)

سعید بن عقیصا در روایت مفصلی (که ما خلاصه‌ای از آن را بیان
می‌کنیم) از امام حسن علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«أَمَّا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَيَقَعُ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيَةِ زَمَانِهِ إِلَّا
الْقَائِمُ الَّذِي يَصَلِّي رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
يُنْفِي وِلَادَتَهُ وَيَقْبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا
خَرَجَ، ذَاكَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ، ابْنِ سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ، يَطِيلُ
اللَّهُ عُمُرَهُ فِي غَيْبِهِ، ثُمَّ يَظْهَرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورَةِ شَابٍّ دُونَ أَرْبَعِينَ
سَنَةً، ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛^۲

آیا نمی‌دانید که هر کدام از خاندان امامت به ناچار، از
برای طاغوت زمانش بیعتی در گردنش واقع شده است؟
جز قائم ما کسی که روح خدا حضرت عیسی بن مریم علیه السلام

۱. امام مهدی، از ولادت تا ظهور، ص ۱۲۲؛ نقل از منتخب الاثر و تذکرة الخواص.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۶۵؛ کشف الغم، ج ۲، ص ۵۲۲.

در پشت سر او نماز خواهد خواند.
 خداوند ولایت او را مخفی و شخص او را پنهان خواهد
 کرد تا تحت حاکمیت ظالمی زندگی نکند و در هنگام
 ظهور، بیعت از کسی در گردن او نباشد.
 او نهمین فرزندان برادرم حسین، پسر فاطمه علیها السلام بهترین
 زنان عالمین است. خداوند عمر او را در پرده غیبت
 طولانی خواهد کرد، سپس او را با قدرت خویش در
 چهره جوانی که کمتر از چهل سال باشد ظاهر خواهد
 کرد، این به خاطر آن است که همه بدانند خداوند بر هر
 کاری تواناست.

بشارت امام حسین علیه السلام

مرحوم محدث حرّ عاملی در کتاب (اثبات الهداة) می نویسد که:

امام حسین علیه السلام فرمود:

«يُظْهِرُ اللَّهُ قَائِمًا فَيَسْتَقِيمُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَنْ
 قَائِمُكُمْ؟ قَالَ: التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي، هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ الَّذِي
 يَغِيبُ مُدَّةً طَوِيلَةً ثُمَّ يَظْهَرُ وَيَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ
 جَوْرًا وَظُلْمًا»^۱

خداوند قائم ما را ظاهر خواهد کرد و از ستمکاران انتقام خواهد
 گرفت، به حضرت عرض شد: قائم کیست؟ فرمود: نهم از فرزندانم،

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۶۹، ح ۶۸۱.

بشارت امام زین العابدین علیه السلام ■ ۲۹

او، حجّت بن الحسن، آن که به مدّت طولانی غایب خواهد شد، سپس ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان طوری که با جور و ستم پر شده است.

بشارت امام زین العابدین علیه السلام

حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ»؛

هنگامی که قائم ما اهل بیت قیام کرد، خداوند بزرگ آفات‌ها، مرض‌ها، علیی‌ها و ناخوشی‌ها را از شیعیان ما خواهد زدود و دل‌های آنان را مانند قطعه‌های آهنین قرار خواهد داد.

امام زین العابدین علیه السلام وجود مقدس امام زمان علیه السلام را از فضیلت خاندان وحی و امامت می‌داند و در مسجد شام بالای منبر فرمود: مهدی این امت از ماست.^۱

بشارت امام محمد باقر علیه السلام

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

«يُظْهَرُ الْمَهْدِيُّ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ
بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام وَهُوَ قَائِمٌ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَجِبْرِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَ

۱. آمال الواعظین، ج ۲.

مِكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ، وَ تَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ، تُطْوِي
لَمْ طَيًّا حَتَّى يَبَايَعُوهُ فَيَمْلَأُ بِهِمُ الْأَرْضَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ
ظُلْمًا؛

حضرت مهدی در روز عاشورا، روزی که حسین
بن علی علیه السلام در آن روز شهید شده است، او بین
رکن حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام می ایستد،
جناب جبرئیل از راستش و میکائیل از چپش و
یارانش از اطراف زمین باطی الارض به سوی او
می آیند تا با حضرتش بیعت نمایند. حضرت با
یارانش زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، کما
این که با جور و ستم پر شده است.^۱

بشارت امام جعفر صادق علیه السلام

ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام وَمَا وَقَعَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْغِيَابِ جَارِيَةٌ فِي الْقَائِمِ مِنَّا
أَهْلَ الْبَيْتِ، حَذَوِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَالْقُدَّةِ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ
اللَّهِ! وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟»

فَقَالَ عليه السلام: يَا أَبَا بَصِيرٍ! هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى، ذَلِكَ ابْنُ
سَيِّدَةِ الْأَمَاءِ يَغِيبُ غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ، ثُمَّ يَظْهَرُهُ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ فَيَفْتَحُ عَلَيَّ بِيَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ

عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عليه السلام فَيَصَلِّي خَلْفَهُ وَتَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَلَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عَبْدٌ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَبْدَ اللَّهِ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛^۱

سنت‌های پیامبران علیهم السلام و مسایل غیبی که بر آنان جاری می‌شد، به طور کامل در مورد قائم که از ما اهل بیت است، قدم به قدم تیر به تیر جاری خواهد شد. به حضرت عرض کردم: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قائم از اهل بیت شما کیست؟ فرمود: ای ابو بصیر! او پنجمین از نسل پسر موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد که پسر بهترین زنان. او مدتی غایب خواهد شد که باطل‌گرایان در آن مدت به شک خواهند افتاد.

سپس خداوند او را ظاهر کرده و با دست توانای او شرق و غرب را فتح خواهد نمود. روح خدا عیسی بن مریم علیه السلام نازل شده پس در پشت سر او نماز خواهد خواند و زمین به نور پروردگارش نور باران می‌گردد.

قطعه‌ای در زمین که غیر خدا در آن پرستیده شده نخواهد ماند، مگر این که خداوند متعال در آن جا پرستیده خواهد شد و دین همه اش از آن خدا می‌گردد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.

بشارت امام موسیٰ کاظم علیه السلام

محدث بزرگ، مرحوم حرّ عاملی رحمته الله در کتاب (اثبات الهداة) آورده است:

یونس بن عبدالرحمن می گوید: به محضر حضرت موسیٰ بن جعفر رحمته الله وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند پیامبر! آیا شما قائم به حق هستید؟

حضرت فرمود:

«أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ يَمْلأهَا عَدْلًا مِلثَّتْ جَوْرًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي، لَهُ غِيَّةٌ يَطْوُلُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَي نَفْسِهِ: يَرْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ»؛

بلی! من قائم به حق هستم، اما آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک خواهد ساخت و زمین را پر از عدل خواهد کرد، همان طوری که با جور پر شده است، او پنجم از فرزندان من است.

او برای حفظ جان خویش غیبت طولانی خواهد داشت که در آن مدت گروه‌هایی مرتد خواهند شد و گروه‌های دیگر ثابت قدم خواهند ماند.

سپس فرمود:

«طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غِيْبَةِ قَائِمِنَا، الثَّابِتِينَ عَلَي مَوَالِينَا وَالْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا، أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ، قَدْ رَضُوا بِنَا أَيْمَةً وَ رَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَ طُوبَى لَهُمْ، هُمْ وَاللَّهِ! مَعَنَا

فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در عصر غیبت قائم ما
به ریسمان ولایت اهل بیت چنگ زده و بر دوستی ما
پایداری نموده و به بیزاری از دشمنان ما استوارند.
آنان از ما هستند و ما از آنان، آنان به امامت ما
خوشنودند و ما به پیروی آنان.
خوشا به حال آنان! به خدا قسم! آنان در روز قیامت با ما
و در درجه ما خواهند بود.^۱

بشارت امام رضا عليه السلام

مرحوم علامه مجلسی * در بحار الانوار آورده است:
ریان بن صلت می گوید: به امام رضا * عرض کردم: آیا صاحب
دولت حق، تو هستی؟
حضرت فرمود:

«أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَلَكِنِّي لَسْتُ بِأَلْذِي يَمْلَأُهَا كَمَا مَلَأَتْ
جَوْرًا، وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَيَّ مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي؟ وَإِنَّ الْقَائِمَ
هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّبُوحِ وَمَنْظَرِ الشَّبَابِ، قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ،
حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَيَّ وَجِهَ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَلَوْ
صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ
خَاتَمُ سُلَيْمَانَ، ذَاكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يَغِيْبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ اللَّهُ،

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۷، ح ۱۲۸؛ اعلام الوری، ص ۴۳۳.

ثُمَّ يَظْهَرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِثَتْ جَبُورًا
ظُلْمًا؛^۱

آری! مالک دولت حق من هستم، ولی آن که زمین را
پراز عدل خواهد کرد کما این که با جور پر شده من
نیستم، چه طور من آن می‌باشم، آیا ناتوانی بدن مرا
نمی‌بینی؟

همانا قائم آن است که هنگامی که ظهور خواهد کرد،
در سن کهن سالان و در چهره جوانان، با بدن قوی
خواهد بود.

اگر دستش را به سوی بزرگترین درخت روی
زمین دراز نماید، آن را از بیخ بیرون می‌آورد و
اگر در میان کوه‌ها فریاد بکشد، کوه‌ها و
صخره‌های آنها می‌ریزند، عصای موسی و
انگشتر حضرت سلیمان با اوست، آن چهارم از
فرزندان من است. خداوند او را تا آنجا می‌خواهد
در پرده‌ی غیبت نگهداری خواهد کرد.

سپس او را ظاهر می‌سازد و زمین را به سبب او با عدل و
داد پر خواهد کرد، کما این که با جور و ستم پر شده
است.

۱. طلوع مهر امام غائب عج، ج ۲، ص ۲۴؛ بنقل از بحار الأنوار.

بشارت امام جواد علیه السلام

مرحوم طبرسی رحمته در کتاب احتجاج از حضرت عبد العظیم حسنی نقل کرده است: روزی به امام جواد علیه السلام عرض کردم:

«يا مَوْلایِ اَبی لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ الْقَائِمَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ...»
ای سرورم! من امیدوار باشم که تو قائم آل محمد هستی، آن که زمین را پر از عدالت و دادگری خواهد کرد، همان طوری که در نزدیکی های ظهورش، از ستم و بیادادگری پر خواهد شد؟

حضرت فرمود: ای ابالقاسم (ای عبد العظیم حسنی)!
«مَا مِنَّا إِلَّا وَهُوَ قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَطْهَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَنْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا، هُوَ الَّذِي يَخْفَى عَنِ النَّاسِ وَلَا دُئْتُهُ، وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ يَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَتُهُ...»

همه ی ما قیام کننده به امر خدا و هدایت گر به سوی دین او هستیم، اما آن قائمی که خداوند به دست او زمین را از کفر و شرک پاک خواهد کرد و آن را پر از عدل و داد می سازد، او کسی است که ولادتش از مردم پوشیده می ماند و وجود مبارکش غائب می گردد و آوردن نام شریفش بر مردم در زمان غیبت حرام می شود.^۱

بشارت امام هادی علیه السلام

ابوهاشم جعفری می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود:
 «الْخَلْفُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ
 الْخَلْفِ؟»

فَقُلْتُ وَ لِمَ؟ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ!
 فَقَالَ: لِأَنَّكُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ، قُلْتُ
 فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ؟

قَالَ: قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ؛

جانشینم بعد از من پسر من حسن (عسکری) است.
 چطور خواهد شد برای شما جانشینی بعد از جانشین من
 (یعنی بعد از حسن عسکری علیه السلام)؟

عرض کردم: چرا؟ فدایت شوم!
 فرمود: زیرا شما شخص او را نخواهید دید و برای شما
 جایز نخواهد شد که اسم او را ذکر کنید.

عرض کردم: چطور او را ذکر کنیم؟
 فرمود: بگویید: حجت الله، حجت آل محمد.

صقر بن دلف گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم می فرمود:
 «إِنَّ الْأَمَامَ بَعْدِي، الْحَسَنُ ابْنِي وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ، الَّذِي
 يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛»

امام پس از من فرزندانم حسن است و پس از او پسرش

قائم آن که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان
طور که از ستم و بی داد پر شده است.^۱

بشارت امام حسن عسکری علیه السلام

ابوسهل، اسماعیل بن علی نوبختی می گوید:

در حالی به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم که با همان
بیماری از دنیا رحلت نمود.

حضرت دستور داد تا کودکی از اندرون آمد. دستش را بر سر آن

پسر کشید و فرمود:

«أَبَشِّرُ يَا بُنَيَّ! فَأَنْتَ صَاحِبُ الزَّمَانِ، وَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ، وَأَنْتَ حُجَّةُ
اللَّهِ عَلَى أَرْضِهِ، وَأَنْتَ وَلَدِي وَوَصِيِّي... وَأَنْتَ خَاتِمُ
الْأَيُّمَةِ الطَّاهِرِينَ وَبَشَرِيكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ...»؛

بشارت باد تو را ای پسر! صاحب زمان تویی،

مهدی تویی، و حجّت خدا بر روی زمین تویی...

خاتم و آخرین امامان پاک تویی، بشارت داد

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تو را، و نام و کنیه تعیین کرد برای

تو. این عهدی است به سوی من از

پدرم از پدرهای پاک تو. «صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ أَهْلِ الْبَيْتِ رَبَّنَا

إِنَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا نَحْنُ عَلَيْهِ»^۲.

۱. اکمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۷۲.

اثبات وجود امام دوازدهم

حافظ ابونعیم که از روایت کنندگان مشهور اهل تسنن است چهل حدیث از احادیث صحیحه تسنن روایت کرده که در برگیرنده صفات، احوال، اسم و نسب آن حضرت است و از جمله آنهاست: روایت علی ابن هلال از پدرش که گفت: رفتم خدمت رسول الله ﷺ در حالی که حضرت از دنیا مفارقت می کرد، حضرت فاطمه رضی الله عنها نزد سر آن حضرت نشسته و می گریست، چون صدای گریه اش بلند شد پیامبر صلی الله علیه و آله سر به طرف او برداشت و فرمود: ای حبیبی من! فاطمه، چه چیزی باعث گریه تو شده است؟

فاطمه گفت: می ترسم که امت تو بعد از تو مرا ضایع گذارند و رعایت حرمت من نمایند، حضرت فرمود: ای حبیبی من مگر نمی دانی که خدا مطلع شد بر زمین مطلع شدنی، پس اختیار کرد از آن پدر تو را و او را مبعوث کرد به رسالت پس دوباره مطلع گردید و برگزید شوهر تو را و وحی کرد که تو را به او تزویج کنم.

ای فاطمه! خدا به ما عطا کرده است هفت خصلت را که به احدی قبل و بعد از ما نداده است. منم خاتم پیامبران و گرامی ترین ایشان بر خدا و محبوبترین خلق به سوی خدا و پدر تو هستم. و وصی من بهترین اوصیاء و محبوبترین ایشان نزد خداست و شوهر تو می باشد و شهید ما بهترین شهیدان و محبوبترین نزد خدا و او حمزه عموی پدر و شوهر تو است. و از ماست آنکه دو بال خدا به او داده و پرواز می کند در بهشت با ملائکه هر جا که خواهد و او پسر عموی پدر تو و برادر

شوهر تست.

و از ماست دو سبط این امت و آنها دو پسر تواند، حسنین و ایشان بهترین جوانان بهشتند و پدر ایشان به حق آن خدائی که مرا به حق فرستاده بهتر است از این دو.

ای فاطمه! به حق خداوندی که مرا به حق فرستاده است که از حسن و حسین به هم خواهد رسید مهدی این امت و ظاهر خواهد شد در وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شود و فتنه‌ها ظاهر گردد و راه‌ها بسته شود، غارت کنند مردم عده‌ای را، نه پیری رحم کند بر کودکی و نه کودکی تعظیم کند پیری را.

پس خدا برانگیزاند در آن وقت از فرزندان ایشان کسی را که فتح کند قلعه‌های ضلالت را و دل‌هایی را که غافل از حق باشند و قیام نماید به دین خدا در آخر الزمان چنانچه من قیام نمودم، و پر کند زمین را از عدالت چنانچه پر از ظلم و جور باشد.

ای فاطمه! اندوهناک مباش و گریه مکن که خدای عز و جل رحیم‌تر و مهربان‌تر است بر تو از من به سبب منزلتی که نزد من داری و محبتی که از تو در دل من است، و خدا تو را به ازدواج کسی درآورده که حسبش از همه بزرگتر است و منصبش از همه گرامی‌تر است و رحیم‌ترین مردم است بر رعیت و عادل‌ترین مرد است در مساوی قسمت کردن و بیناترین مردم است به احکام الهی، و من از خدا خواستم که تو اول کسی از اهل بیت من که به من ملحق می‌شود باشی، و علی علیه السلام فرمود: فاطمه علیها السلام نماند بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله مگر هفتاد و

پنج روز که به پدر خود ملحق گردید.^۱

شیخ عباس قمی رحمته الله در منتهی الامال جلد ۲ می گوید: در کتابهای معتبر شیعه بیشتر از هزار حدیث روایت کرده‌اند در مورد ولادت حضرت مهدی عج و غیبت او و اینکه امام دوازدهم و از نسل امام حسن عسکری عج است و اکثر این احادیث مقرون به اعجاز است زیرا خبر داده‌اند به ترتیب ائمه اطهار علیهم السلام تا امام دوازدهم و مخفی بودن ولادت حضرت و اینکه آن حضرت را دو غیبت خواهد بود. دومی طولانی‌تر از اول و آنکه حضرتش مخفی متولد خواهد شد با سایر خصوصیات، و جمیع آن به وقوع پیوست و کتبی که شامل این اخبارند سال‌ها پیش از تولد حضرت نوشته شده است، پس این اخبار صرف نظر از تواتر از چندین جهت دیگر علم و یقین آور هستند.

همچنین اطلاع جمع کثیری بر آن ولادت با سعادت و دیدن جماعت بسیار از ثقات و راستگویان شیعه آن حضرت را از وقت ولادت شریف تا غیبت کبری.

صاحب کتاب فصول المهمه و مطالب السؤال و شواهد النبوة و ابن خلکان و بسیاری از مخالفان در کتب خود ولادت آن حضرت را با سایر خصوصیات که شیعیان نیز روایت کرده‌اند نقل نموده‌اند پس همانطور که ولادت پدران بزرگوار آن حضرت معلوم است ولادت ایشان نیز معلوم است.

احمد ابن اسحاق روایت کرده است: رفتم خدمت امام حسن

۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۸

عسکری علیه السلام و می خواستم سؤال کنم امام بعد از او کیست؟ حضرت پیش از آنکه سؤال کنم فرمود: ای احمد! خدای عز و جل از روزی که آدم را خلق کرده تا حال زمین را خالی از حجّت نگردانیده و تا روز قیامت خالی نخواهد گذاشت و به برکت او دفع کند بلاها را از اهل زمین و باران بفرستد و برکت های زمین را برویاند.

گفتم: یابن رسول الله! پس چه کسی امام و خلیفه ی بعد از تو

خواهد بود؟

حضرت برخاست و داخل خانه شد و بیرون آمد و کودکی بر دوشش بود مانند ماه شب چهارده و به نظر سه ساله بود و فرمود: ای احمد! این است امام بعد از من و اگر نه این بود که تو گرامی هستی نزد خدا و حجّت های او این را به تو نشان نمی دادم. این فرزند نام کنیه اش موافق نام و کنیه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و زمین را پر از عدالت خواهد کرد بعد از آنکه پر از جور و ستم شده باشد، ای احمد! مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است. به خدا سوگند که غائب خواهد شد غائب شدنی که نجات نیابد از غیبت او از هلاک شدن و گمراه گردیدن مگر کسی که خدا او را ثابت بدارد بر قول به امامت او، توفیق دهد خدا او را که دعا کند برای تعجیل فرج او.

گفتم: آیا معجزه ای و علامتی ظاهر می تواند بشود که خاطر من مطمئن گردد؟ پس آن کودک به سخن آمد و به لغت فصیح عربی فرمود: «منم بقیة الله در زمین و انتقام کشنده از دشمنان خدا، و بعد از دیدن دیگر طلب اثر مکن»

احمد گفت: شاد و خوشحال از خدمت حضرت بیرون آمدم، روز دیگر خدمت حضرت رفتم و گفتم: یا بن رسول الله! عظیم شد سرورم به آنچه که انعام کردی بر من، بیان کن که سنت خضر و ذوالقرنین که در آن حجّت خواهد بود، چیست؟

حضرت فرمود: طول غیبت است. گفتم: یا بن رسول الله! غیبت او به طول خواهد انجامید؟ فرمود: بله. به حقّ پروردگار من آنقدر طول خواهد کشید که برگردند از دین اکثر آنها که قائل به امامت او باشند و باقی نماند بر دین حق مگر کسی که حق تعالی عهد و ولایت ما را در روز میثاق از او گرفته و در دل او به قلم صنع ایمان را نوشته و او را مؤید به روح ایمان گردانیده باشد، ای احمد! این از امور غریبه‌ی خداست و رازی است از رازهای پنهان او و غیبی است از غیب‌های او پس بگیر آنچه به تو عطا کردم و پنهان دار و از جمله‌ی شکر کنندگان باش تا روز قیامت در علّین رفیق ما باشی.^۱

کتابهایی که پیش از تولد مهدی علیه السلام در باره‌ی او تألیف شده است: موضوع غیبت و قیام حضرت مهدی علیه السلام در اسلام به قدری مسلم بوده که کتابهای متعدّدی درباره‌ی آن تألیف شده و تاریخ نگارش بعضی از آنها سال‌ها پیش از تولد حضرت بوده است. مثلاً (حسن بن محبوب زراد) (م ۲۲۴)، یکی از محدّثان و مصنفان موثق شیعه، کتاب (المشیخة) را یکصد سال قبل از غیبت کبری نوشته و اخبار مربوط به

۱. منتهی‌الأمال، باب ۱۴، ج ۳، ص ۲۰۰.

آیا کودک می‌تواند امام باشد؟ ■ ۶۳

غیبت امام مهدی علیه السلام را در آن نقل کرده است.^۱

مرحوم طبرسی مینویسد: محدثان شیعه در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام اخبار غیبت را در تألیفات خویش آورده‌اند.

همچنین برخی از اصحاب ائمه دربارهی آن حضرت و قیام او کتاب نوشته‌اند، مانند: ابراهیم بن صالح انماطی (از یاران امام باقر علیه السلام)، حسن بن محمد بن سماعه (از اصحاب امام موسی بن جعفر علیهما السلام)، محمد بن حسن بن جمهور (از یاران امام رضا علیه السلام)، علی بن مهزیار (از یاران امام جواد علیه السلام) و فضل بن شاذان نیشابوری (از شاگردان امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام).^۲

آیا کودک می‌تواند امام باشد؟

در تاریخ امامان شیعه علیهم السلام برای اولین بار، شخصی در خردسالی، در هفت یا هشت سالگی به مقام امامت می‌رسید و او حضرت جواد علیه السلام بود، بعد از او این موضوع در مورد فرزندش امام هادی علیه السلام (در حدود هشت سالگی) و سپس در مورد حضرت مهدی علیه السلام (در پنج سالگی) رخ داد. از این رو در همان عصر پیوسته این سؤال مطرح می‌شد که چگونه یک کودک هفت ساله می‌تواند بار سنگین و عظیم امامت را بر عهده بگیرد؟

اینک نیز همین سؤال مطرح می‌شود که آیا این عقیده‌ی شیعه در

۱. سیره پیشوایان ص ۶۹۵.

۲. سیره پیشوایان ص ۶۹۶.

مورد سه امام (امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام) چگونه با عقل و خرد سازگار است؟

با توجه به این که دوران شکوفایی رشد و عقل، معمولاً از پانزده سال به بعد است و در چهل سالگی تکمیل می‌گردد. در پاسخ این سؤال ما دو راه در پیش داریم:

۱ - چنین رشدی به عنوان استثناء در تاریخ بشر وجود داشته و دارد و در حدّ محال نیست که آن را غیر ممکن سازد. تاریخ بشر نشان می‌دهد که گاه افرادی در سنین کمتر از ده سال، نابغه شده‌اند و از رشد و عقل و درک ممتاز و فوق العاده‌ای برخوردار بوده‌اند. به عنوان مثال در حالات ابو علی سینا نوشته‌اند که گفت: «وقتی به مکتب می‌رفتم، هر چه شاگردان برای استاد می‌خواندند، حفظ می‌کردم و در دوازده سالگی فتوا می‌دادم و در ۲۶ سالگی تمام علوم جهان را بلد بودم.»

نمونه‌ی عینی در عصر حاضر:

آقای سید محمد حسین طباطبایی کودک ۶ ساله حافظ قرآن بود و علاوه بر این که با قرآن سخن می‌گفت و می‌توانست هر آیه‌ای را ترجمه کند و پرسش‌ها را با قرآن جواب دهد.

در سال ۱۴۱۷ هجری قمری برابر با فروردین ۱۳۷۶ شمسی در سفر حج، وزیر کشور عربستان سعودی و اطرافیانش به دیدار او آمدند و به مناسبت این که او کودک است برای او اسباب بازی آورده بودند.

آیا کودک می‌تواند امام باشد؟ ■ ۴۵

از او پرسیدند: آیا از این هدایا که برای تو آوردیم خشنود شدی؟
در پاسخ این آیه را خواند:

«فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرًا مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ»

«آن چه خدا به من داده بهتر است از آنچه به شما داده
است، بلکه شما هستید که به هدیه‌هایتان خوشحال
می‌شوید.»^۱

- پیراهن عربی بهتر است یا ایرانی؟ جواب داد:

«وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ»

«لباس پرهیزکاری بهتر از آن است.»^۲

- در عربستان مهمان ما می‌شوی؟

«حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي»

«تا پدرم به من اجازه دهد.»^۳

- می‌خواهیم از این خانه‌ی فعلی که سکونت داری به جای دیگری

بروی و برای پدرت خانه بخریم، آیا از این کار خوشحال می‌شوی؟

«إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»

«همین جا نشسته‌ایم.»^۴

- آیا می‌خواهی پسر من بشوی؟

«وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ»

۱. نمل، ۳۶.

۲. اعراف، ۲۶.

۳. یوسف، ۸.

۴. مائده، ۲۴.

«قسم به پدر و فرزندش.»^۱

- آیا بازی را دوست داری؟

«وَلَا تَنْسَ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا»؛

«نصیبت را از دنیا فراموش نکن.»^۲

- آیا کودکان هم سن و سال تو، تو را اذیت نمی کنند؟

«فَيْشَسَ الْقَرِيبُ»؛

«پس چه بد هم نشینی بودی.»^۳

- آیا هیچ گاه از پدرت کتک خورده‌ای؟

«قَالُوا بَلَى»؛

«گفتند بله.»^۴

- آیا پدرت هیچ گاه با تو دعوا کرده و سپس تو را ببخشد؟

«وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»؛

«مؤمنان هنگامی که خشمگین شوند، عفو می کنند.»^۵

آخرین سؤال: تو این همه فضل و کمال را از کجا آوردی؟

«يُسْؤِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ

خَيْرًا كَثِيرًا»؛

«خدا فیض حکمت و دانش را به هر کس بخواهد عطا

۱. بلد، ۳.

۲. قصص، ۷۷.

۳. زخرف، ۳۸.

۴. تغابن، ۷.

۵. شوری، ۳۷.

آیا کودک می‌تواند امام باشد؟ ■ ۴۷

می‌کند و هر کس را به حکمت و دانش برساند، به او
مرحمت و عنایت زیاد فرموده است.^۱

تا این جا استدلال کردیم بر این که در حال حاضر هم کودکانی
هستند که به طور معجزه آسا خارق العاده باشند. هر چند قضیه‌ی
امامت و وصایت نصب از طرف خداوند است. در قرآن نیز آیاتی
داریم که بر نبوت برخی از پیامبران در کودکی دلالت دارد. مانند این
آیه که در مورد حضرت عیسی علیه السلام است:

«قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»؛

«آن طفل (یعنی حضرت عیسی علیه السلام) به امر خدا به زبان آمد
(و) گفت: همانا من بنده‌ی خاص خدایم که مرا کتاب
آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود.»^۲

و این آیه که در مورد حضرت یحیی علیه السلام بر خاتم انبیاء علیهم السلام نازل شده
است:

«يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»؛

«به یحیی خطاب کردیم که ای یحیی تو کتاب آسمانی
ما را به قوت نبوت فراگیر و به او در همان سن کودکی
مقام نبوت بخشیدم.»^۳

در عصر امام رضا علیه السلام این سؤال مطرح بود که چگونه کودکی

۱. بقره، ۲۶۹.

۲. مریم، ۳۰.

۳. مریم، ۱۲.

می تواند به مقام امامت برسد؟ حضرت با یاد آوری قدرت و حکمت الهی و نیز خواست خدا و مقایسه‌ی آن با نبوت حضرت عیسی علیه السلام در خردسالی به این سؤال پاسخ می داد. صفوان بن یحیی می گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «قبل از تولد حضرت امام جواد علیه السلام از شما در مورد جانشینتان می پرسیدم، می فرمودی: «خداوند پسری را به من عنایت می کند.» اکنون خداوند حضرت جواد علیه السلام را به شما داده است و چشم های ما را به وجود او روشن نموده، خدا آن روز را که شما از دنیا بروید برای ما نیاورد، ولی اگر پیشامدی شد، به چه کسی رجوع کنیم؟» حضرت به پسرش حضرت جواد علیه السلام که در مقابلش ایستاده بود، اشاره کرد و فرمود: «به این مراجعه کنید.» عرض کردم: «فدایت کردم، این پسر سه سال دارد.» فرمود: «چه مانعی دارد؟ عیسی علیه السلام سه ساله بود که به حجّت قیام کرد. و نبوتش را آشکار نمود.»^۱

در جایی دیگر می خوانیم: علی بن احسان اعتراض مردم را به عرض حضرت امام جواد علیه السلام رساند. امام فرمود: چه اعتراضی دارند با این که خدا فرمود:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»؛

«ای رسول ما، امت را بگو طریقه‌ی من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنم.»^۲

۱. «وَمَا يَضُرُّهُ مِنْ ذَلِكَ، فَقَدْ قَامَ عِيسَىٰ بِالْحُجَّةِ وَهُوَ ابْنُ ثَلَاثِ سِنِينَ»، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ سیره‌ی چهارده معصوم، صفحه ۷۶۸.

۲. یوسف، ۱۰۸.

و بعد فرمود: «سوگند به خدا در آغاز بعثت پیروی از پیامبر نکرد مگر علی علیه السلام که در آن وقت ۹ سال داشت و من نیز نه ساله‌ام.»^۱

و نیز این روایت: قاسم ابن عبد الله که به مذهب زیدی^۲ اعتقاد داشت، می‌گوید: «خداوند پیروان مذهب شیعه را لعنت کند که معتقدند خداوند اطاعت از این کودک را واجب نموده است.» حضرت سخن دلم را متوجه شدند و فرمودند: ای قاسم ابن عبد الله زیدی

«أَبَشْرًا مِنَّا وَاحِدًا تَتَّبَعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سُعْرٍ»؛

«قوم نمود در برابر پیامبرشان (صالح) گفتند: آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟ اگر چنین کنیم، در گمراهی و جنون خواهیم بود.»^۳

با خود گفتیم: «به خدا سوگند این شخص ساحر است.» ناگاه در همین لحظه فرمود:

«إِنَّ الْقِيَّ الدُّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَثِرٌ»؛

«قوم نمود به پیامبرشان گفتند: آیا از میان ما تنها وحی بر او نازل شده است؟ نه، او آدم بسیار دروغ گوی هوس بازی است.»^۴

(یعنی اگر تو به من چنین می‌گویی، کافران نیز آن را به پیامبران می‌گفتند.) در این هنگام بود که نور ایمان و ولایت بر قلبم تابید و از

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۴؛ سیره‌ی چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۷۶۹.

۲. طبق این مذهب زید ابن علی ابن الحسین (ع) امام بود.

۳. قمر، ۲۴.

۴. قمر، ۲۵.

مذهب زیدی خارج شدم و به امامت امام جواد علیه السلام اعتقاد یافتم، و گواهی دادم که او حجّت خدا بر خلقش می باشد.^۱

بزرگ منشی امام جواد در کودکی

علی ابن حسان واسطی می گوید: مقداری اسباب بازی کودکانه، که بعضی از آنها از نقره بود با خود برداشتم، تا نزد حضرت جواد علیه السلام ببرم و به او اهداء نمایم، رفتم دیدم جمعی در محضرش هستند، و آن حضرت به پرسش های آنها پاسخ می دهد. در پایان مجلس بر خاست به روستای صریا (نزدیک مدینه) رهسپار شد. من نیز دنبالشان به راه افتادم. وارد خانه اش شد. کنار در خانه رفتم و از خدمتکار وی به نام موفق، اجازه ی ورود خواستم. پس از اجازه، به محضر حضرت جواد علیه السلام رسیدم و سلام کردم و جواب سلام مرا داد. ولی چهره اش نشان می داد که ناراحت است. به من فرمود بنشین. نزدیکش نشستم. در این هنگام وسایل اسباب بازی از جیبم به زمین افتاد. آن حضرت خشمگینانه به آنها نگاه کرد و سپس آن وسایل اسباب بازی را به طرف چپ و راست افکند و آن گاه به من فرمود:

«مَا لِهَذَا خَلَقَنِي اللَّهُ، مَا أَنَا وَاللَّعْبُ؟»

«خداوند مرا برای این بازی ها نیافریده، مرا به بازی های

کودکانه چه کار؟»

من با شرمندگی عذر خواهی کردم، گفتم: مرا بخشید و از

۱. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۱۶؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۶۴.

محضرش بیرون آمدم.^۱

تلفظ به نام مهدی (عج)

امام حسن عسکری علیه السلام نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام را به زبان آورده است. از جمله روایت شده حضرت گوسفندی را به عنوان عقیقه برای بعضی اصحابش فرستاده و فرمود:

«هَذِهِ مِنْ عَقِيْقَةِ ابْنِي مُحَمَّدٍ».

شیخ مفید، علامه‌ی حلی، فاضل مقداد، سید مرتضی و محقق، شیخ حرّ عاملی، علامه اربلی در آن جا که تقیه نباشد، تلفظ را جایز می‌دانند.

سؤال از ناحیه‌ی مقدسه^۲ در این موضوع و جواب:

«إِنْ دَلَلْتُمْ عَلَيَّ الْأَسْمِ إِذَا حُوِّ، وَإِنْ عَرَضُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيَّ»؛

«اگر آن‌ها را به نام حضرت مهدی علیه السلام آگاه سازید، آن را ظاهر می‌سازند، و اگر مکانش را بشناسند، بر ضد او اقدام می‌کنند.»^۳

فوائد غیبت طولانی

﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ﴾؛

«بزودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون

۱. بحار، ج ۵۰، ص ۵۹؛ دلائل الامامه، ص ۲۱۳؛ سیره‌ی چهاره معصوم علیهم السلام، ص ۷۷۲.

۲. در صفحه ۱۰۳ همین کتاب در مورد ناحیه‌ی مقدسه توضیح داده‌ایم.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸؛ سیره‌ی چهارده معصوم، ص ۱۰۱۱.

جانشان به آنها نشان می‌دهیم، تا برای آنان آشکار گردد که او حق است.^۱

۱- علت غیبت ما هستیم نه او. باید آماده و قدر شناس باشیم و گرنه اگر حضرت بیایند و آماده نباشیم مانند سایر امامان علیهم‌السلام می‌آیند و بدون رسیدن به اهداف عالی مکتب امامت از دنیا می‌روند، البته الآن هم طبق روایات، نور وجود حضرت به همه می‌رسد. مثل خورشید پشت ابر.

۲- امید به مهدی موعود علیه‌السلام، موجب دلگرمی و انتظار سازنده و حرکت بخشی می‌شود.

۳- در عین غیبت پشترانه‌ی نیرومند فقها و رهبران و رهروان راه حق است، به آنها اعتبار می‌بخشد، همچون قلب در بدن.

۴- افزایش فساد و تبعیض و بی‌عدالتی و ظلم، انسان‌ها را به ستوه می‌آورد، به طوری که آنها تشنه‌ی مصلح عادل خواهند شد. طول غیبت بر شدت این تشنگی می‌افزاید و آن را عمیق‌تر و گسترده‌تر می‌سازد و سرانجام انفجار نور پدید می‌آید.

اقامتگاه و مرکز ظهور امام مهدی (عج)

طبق روایات ایشان همه ساله در مراسم حج شرکت می‌کنند. هر جا بخواهند می‌رود. بخصوص حرم ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و طبق برنامه‌های اسلام دارای همسر و فرزند خواهند بود، کما این که در بعضی از

ادعیه به اهل بیت حضرت اشاره شده است.

چندین مکان در روایت آمده: مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعَه (قریه‌ای در یمن) و سرزمین‌های دور دست. از جمله جزیره‌های بسیار بزرگ و پهناور در دریا و طبق روایت علی ابن فاضل مازندرانی در جزیره‌ی خضراء است.

در مورد جزیره‌ی خضراء بحث و گفت و گو بسیار است، بعضی از دانشمندان از قراین و ویژگی‌ها، حدث زده‌اند که جزیره‌ی خضراء همان مثلث برمودا است که عجیب‌ترین و مرموزترین مکان روی زمین است و در دل غربی‌ترین مکان اقیانوس اطلس است.

در دعاهای حضرت است:

«اللَّهُمَّ احْجُبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي»

«خدایا مرا از دید دشمنانم پوشیده بدار، و بین من و

دوستانم، در یک جا جمع کن.»^۱

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه‌ی احزان شود روزی گلستان غم مخور

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت

دائماً یکسان نماند حال دوران، غم مخور

حال ما در فرغت جانان و ابرام رقیب

جمله می‌داند خدای حال گردان غم مخور

۱. مصباح کفمی، ص ۲۱۹؛ سیره‌ی چهارده معصوم علیهم‌السلام، ص ۱۰۱۸.

ظهور حضرت در مکه می‌باشد، بر کعبه تکیه زده و خطبه می‌خواند، ۳۱۳ نفر از یاران مخصوصش، در همان جابه آن حضرت می‌پیوندند، مطابق بعضی از روایات آن روز، روز جمعه است و در روز شنبه‌ی روز عاشورا از مردم بیعت می‌گیرد.

عمر طولانی

حضرت سال ۲۵۵ متولد و تا کنون ۱۱۷۷ سال گذشته است. از جهت دین و دانش محال نیست. الیاس، خضر و عیسی علیهم‌السلام هنوز زنده‌اند و طبق روایات لقمان، نوح، سلیمان، حضرت آدم و هود علیهم‌السلام به ترتیب ۴۰۰ یا ۴۰۰۰، ۲۵۰۰، ۷۱۲، ۹۳۰ و ۳۵۰۰ سال عمر کرده‌اند. مطابق آیات صریح قرآن، حضرت نوح علیه‌السلام تنها ۹۵۰ سال پیامبری کرد.

﴿فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾

«او او هزار سال پنجاه سال کم میان قوم خود درنگ کرد.»^۱

دجال و سفیانی

دجال یک طاغوت و یک فریبکار و حيله گراست، بعید نیست یکی از طاغوت‌های صهیونیست باشد.

«... مِنْ قَرْيَةٍ تُعْرَفُ بِالْيَهُودِيَّةِ»^۲

۱. عنکبوت، ۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴؛ سیره‌ی چهارده معصوم، ص ۱۰۱۴.

امیر المؤمنین علیه السلام ضمن خطبه‌ای می‌فرماید:

«حضرت مهدی علیه السلام با یارانش از مکه به بیت المقدس

می‌آیند و با دجال و ارتش او می‌جنگند، و آنها را تار و

مار می‌کنند و خود دجال نیز به هلاکت می‌رسد.»^۱

از روایات استفاده می‌شود، دجال مردی لوچ است، و ادعای

پیامبری و خدایی از راه حلول می‌کند و با جادو و شعبده و تصرف در

چشم‌ها، مردم را به سوی خود جذب می‌نماید.

پیروان او بیشتر از اراذل و اوباش و طبقات آلوده از یهود و زن‌های

ناپاک و فرزندان آنها می‌باشند.^۲

حضرت عیسی علیه السلام به کمک حضرت می‌آیند و در کشتن دجال

شرکت می‌کنند.^۳

سفیانی طاغوتی دیگر در چهره‌ی مقدس‌نماها ظاهر می‌گردد، از

نسل عتبه بن ابوسفیان است، چهره‌اش سرخ‌مایلی به زرد می‌باشد،

ذکرش به یارب یارب بلند است، و آن قدر بی‌رحم و پلید است که

کنیزش را که از او بچه‌دار شده، زنده به گور می‌کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله «سفیانی از وادی یابس اطراف دمشق با سپاه خود، وارد

دمشق می‌شود، دولشکر تشکیل می‌دهد، یکی را به سوی

مشرق و دیگری را به سوی مدینه حرکت می‌دهد، لشکر اول در

۱. طلوع مهر امام غائب عج، ج ۱، ص ۴۴.

۲. سیره چهارده معصوم، ص ۱۰۱۴.

۳. همان.

کوفه و بغداد به کشتار و جنایات عظیم دست می‌زنند. لشکر دوم به سوی مدینه رهسپار می‌گردد و سه شبانه روز در آن جا به قتل و غارت می‌پردازد. سپس برای مقابله با سپاه حضرت به سوی مکه حرکت می‌کند.

در مسیر راه وقتی که به سرزمین یبدا می‌رسند، جبرئیل به فرمان خدا آن چنان به آن زمین ضربه می‌زند که همه‌ی آن‌ها به جز دو مرد در آن زمین فرو می‌روند و نابود می‌شوند. سرانجام حضرت مهدی علیه السلام با سپاه خود از جانب کوفه به سوی سفیانی که در اطراف بیت المقدس، موضع گرفته، حرکت می‌کنند و پس از گفت و گو و مذاکرات، سرانجام جنگ خونینی بین سپاه حضرت مهدی علیه السلام و سپاه سفیانی رخ می‌دهد و سپاهیان حضرت مهدی علیه السلام پیروز می‌شوند. زمین از لوٹ وجود سفیانی و پیروان پلیدش، پاک می‌گردد.^۱

چگونگی مقابله با ابر قدرت‌ها

می‌پرسند: «جهان از نظر امکانات در دست ابر قدرت‌ها و دشمنان اسلام است، در برابر ابر قدرت‌های عظیم نظامی و اقتصادی آن‌ها، چگونه می‌توان حکومت جهانی ناب اسلامی به رهبری حضرت مهدی علیه السلام تشکیل داد؟ آیا چنین تصویری امکان پذیر است؟»

پاسخ: «حقیقت این است که مهم‌ترین عوامل و ریشه‌های امکانات مختلف جهان در اختیار مسلمانان است، اگر به راستی آن‌ها در زیر

۱. طلوع مهر امام غائب عج، ج ۱، ص ۴۵؛ سیره چهارده معصوم ص ۱۰۱۵.

یک حکومت مصلح جهانی، اجتماع کنند و با پیوستگی و اتحاد اسلامی، تلاش نمایند، می‌توانند بر همه‌ی ابر قدرت‌ها پیروز گردند.» توضیح این که:

اولاً: ابر قدرت‌ها، همیشه بر این صورت نمی‌مانند، همان گونه که ابر قدرت اتحاد جماهیر شوروی سابق، تگه پاره شد و به صورت چندین کشور کوچک در آمد، هیچ بعید نیست که آمریکا و بلوک غرب نیز به این صورت در آیند.

ثانیاً: جنایات روز افزون در درون ابر قدرت‌ها آن چنان آن‌ها را از درون تهی می‌کند و به خود مشغول می‌سازد که هم چون طبل تو خالی خواهند شد، این سخنی است که قرآن به ما آموخته، آن جا که در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی عنکبوت می‌فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً
وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»؛

«مثل کسانی که غیر خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده، در حالی که سست‌ترین خانه‌ها خانه‌ی عنکبوت است، اگر می‌دانستند.»

ثالثاً: امکانات مسلمانان از جهات مختلف بر امکانات بیگانگان

تفوق و برتری دارد:

الف: از جهت نیروی انسانی و اتحاد یک و نیم میلیارد نفر مسلمانان و دارای بیش از ۵۰ کشور مستقل می‌باشند. البته در

کشورهای غیر اسلامی هم مثل هند یا چین نیروی عظیمی است. به شرط اتحاد.

ب: امکانات جغرافیایی دنیای اسلامی: خلیج فارس، تنگه ی هرمز، دو طرف کانال سوئز و یک طرف جبل الطارق در دست مسلمین است، عبور از اقیانوس هند، اقیانوسیه، بدون جلب رضایت مسلمانان ممکن نیست. جنوب آفریقا بزرگ ترین خط کشتیرانی وجود دارد، که زیر نظر مسلمانان است. یک طرف دریای استراتژیک مدیترانه در دست مسلمین است. تنگه ی دارانل و بسفور نیز در دست مسلمین می باشد.

نشانه های ظهور

وقت ظهور معلوم نیست و مطابق روایات تعیین کنندگان وقت دروغ گو هستند.^۱

اما نشانه های ظهور، بسیار و مختلف است و می توان آن ها را به چند گروه تقسیم کرد:

۱- نشانه های عمومی مثل افزایش گناه و فساد، پر شدن جهان از ظلم و جور، این گونه نشانه ها مقارن ظهور نیست، بلکه ممکن است ده ها سال قبل از ظهور رخ دهد.

۲- نشانه هایی که نزدیک ظهور رخ می دهد، ولی نه مقارن و در آستانه ی ظهور، بلکه مثلاً دو سال قبل از ظهور یا سه، چهار سال قبل هویدا می شود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۰۱.

۳- نشانه‌هایی که همان سال ظهور، یا یک سال قبل از ظهور رخ می‌دهد.

۴- نشانه‌های غیر حتمی، که ممکن است رخ دهد یا ندهد.

۵- نشانه‌های قطعی که شکی در وقوع آنها نیست، مثل صیحه‌ی آسمانی و کشته شدن نفس ذکیه. از سوی دیگر بعضی از این نشانه‌ها روشن و بعضی دیگر مبهم است و روشن نیست که منظور چیست؟ البته بین ظهور و قیام فاصله و فرق است، نخست ظهور و بعد از مدتی با فراهم شدن اسباب کار قیام می‌نماید، در روایت آمده: «در شب ۲۳ ماه رمضان ندا به نام امام قائم علیه السلام بلند شود و در روز عاشورا قیام می‌کند.»^۱

خروج سید حسنی

وی سید جوان خوش سیمایی است که از طرف دیلم (بلاد گیلان) و قزوین خروج می‌نماید. او از شیعیان خالص امامان علیهم السلام و از نسل امام مجتبی علیه السلام است دعوت به سوی خود نکند، رئیس مطاع است، در زمان خروج او ظلم، فساد و کفر، همه جا را گرفته، سید حسنی با فریاد بلند، مردم را به یاری می‌طلبد و به لیبیک گفتن به دعوت آل محمد علیهم السلام فرا می‌خواند.

مردم دعوت او را می‌پذیرند. کم کم بر اهل ظلم و طغیان پیروز شود و با سپاه بیکران خود به طرف کوفه حرکت نماید. در آن جا

۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۶۰.

می‌شنود که حضرت مهدی علیه السلام با یاران خود وارد کوفه شده‌اند. با اصحاب خود به محضر مهدی علیه السلام می‌رسد. دلایل امامت و مواریث پیامبران علیهم السلام را از امام قائم علیه السلام می‌خواهد و حضرت دلائل و مواریث را آشکار می‌سازد.

در این هنگام سید حسنی و اصحابش با امام بیعت کنند.^۱

شهادت نفس زکیه

نفس زکیه، جوان پاک و پاک باز از آل محمد علیهم السلام است. حضرت مهدی علیه السلام او را به مکه برای یاری طلبی از مردم می‌فرستد، او به مکه می‌آید و پیام امام قائم علیه السلام را به مردم ابلاغ می‌کند. دشمنان به او حمله می‌کنند و او را بدون هیچ گونه گناه بین حجر الاسود و مقام ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام می‌کشند و سرش را از بدنش جدا می‌نمایند. پانزده روز بعد از این حادثه‌ی جان سوز، حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌نماید.^۲

مدت حکومت حضرت مهدی (عج)

می‌پرسند: حضرت مهدی علیه السلام، چند سال حکومت می‌کند؟ در روایات با اختلاف نقل شده است، ۵، ۷، ۲۰، ۱۹ و ۷۰ سال.^۳ و در بعضی روایات چهل سال و ۳۰۹ سال به اندازه‌ی مدت خواب اصحاب

۱. اقتباس از بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵؛ منتهی الآمال، ج ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۳. اثبات الهدایة، ج ۷، ص ۱۷۹.

کهف نیز گفته شده است.^۱

بعید نیست مدت حکومت حضرت ۳۰۹ سال باشد، ولی مراحل حکومت او پنج، هفت و نوزده سال باشد و پس از چهل سال تکمیل گردد و سپس ادامه یابد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «امام قائم علیه السلام ۳۰۹ سال به مقدار خواب اصحاب کهف در غار خود، حکومت می کند. سراسر زمین را پس از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می نماید.

خداوند شرق و غرب زمین را برای او فتح می نماید. او دشمنان را می کشد به گونه ای که تنها دین اسلام در سراسر جهان باقی می ماند.»^۲

چگونگی رحلت حضرت مهدی (عج)

از گفتار امامان علیهم السلام بر می آید همه ی آنها شهید می شوند. امام مجتبی علیه السلام فرمود: «سوگند به خدا، رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما چنین عهد کرد که یازده نفر از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام به امامت می رسند. همه ی ما مسموم یا کشته می شویم.»^۳

در مورد چگونگی شهادت حضرت مهدی علیه السلام روایت در دست نیست به جز این که علامه یزدی در کتاب الزام الناصب، صفحه ی ۱۹۰ می نویسد:

«هنگامی که هفتاد سال از حکومت حضرت مهدی علیه السلام گذشت،

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰؛ سیره ی چهارده معصوم علیهم السلام.

۳. الامام المهدی عجل الله فرجه من المهدی الى الظهور ص ۶۳۸.

زنی به نام سعیده که از بنی تمیم است و در صورتش ریش دارد، هنگام عبور حضرت مهدی علیه السلام سنگی بزرگ از پشت بام به طرف حضرت پرتاب می کند، که موجب شهادت آن حضرت می شود و امام حسین علیه السلام غسل، کفن و نماز آن حضرت را به عهده می گیرد. این مطلب بر گرفته از روایات امامان علیهم السلام است.^۱

سپس امام حسین علیه السلام زمام حکومت را به دست می گیرد و پس از او امامان دیگری پس از دیگری رجعت کرده و حکومت می کنند و حکومت امامان علیهم السلام سال های بسیار طول می کشد و طبق بعضی از روایات، تنها امام حسین علیه السلام بعد از حضرت مهدی علیه السلام چهل سال حکومت می نماید.^۲

آیا آن حضرت قیام مسلحانه می کند؟

با توجه به این که حضرت فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و با در نظر گرفتن آیات قرآن مثل دو آیه زیر، حضرت رحمتش بر غضبش غلبه دارد و قاعدتاً تبلیغ به مهر می کند، یعنی ظهور حضرت طلوع مهر امام غایب است.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

«اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق

۱. الامام المهدی عجل الله فرجه من المهد الى الظهور، ص ۶۳۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۶۴.

حکومت و ویژگی‌های امام مهدی (عج) ■ ۶۳

فرستاد، تا آن را بر همه‌ی ادیان عالم تسلط و برتری دهد. هر چند مشرکین ناراضی و مخالف باشند.^۱

و آیه‌ی:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛

«ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن (وظیفه‌ی تو بیش از این نیست).»^۲

از روایات متعددی که بیانگر جنگ آن حضرت پس از ظهور و قیام است، از جمله در بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳ و ۳۹۰ فهمیده می‌شود که آن بزرگوار پس از ظهور، نخست همانند پیامبر رحمت ﷺ مردم را به اسلام و بیعت دعوت می‌کند و حجّت را بر آنها تمام می‌نماید و گروه‌هایی به کارشکنی، توطئه و مخالفت برمی‌خیزند، آن بزرگوار در برابر آنها قیام مسلحانه می‌نماید و زمین را از لوث وجودشان، پاک می‌سازد.

حکومت و ویژگی‌های امام مهدی (عج)

امام صادق علیه السلام:

«هُوَ الْمُظْهِرُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛

۱. توبه، ۳۳.

۲. نحل، ۱۲۵.

«مهدی علیه السلام آشکار کننده‌ی همه‌ی ابعاد دین است.»^۱

و نیز فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا مَدَّ اللَّهُ بِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ
بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي
مَكَانِهِ!»

«هر گاه قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان نیروی گوش و چشم شیعیان ما را زیاد می‌کند که میان آن‌ها و قائم نامه رسان نخواهد بود، او با آن‌ها سخن می‌گوید، آن‌ها سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در مکان خود است و آن‌ها در نقاط دیگر جهان»^۲

امام صادق علیه السلام:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ سِيرِي أَخَاهُ الَّذِي فِي
الْمَغْرِبِ وَكَذَا فِي الْمَغْرِبِ يَرِي أَخَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ»
«همانا مؤمن در عصر حکومت قائم، در حالی که در مشرق است برادرش را که در مغرب است می‌بیند و همچنین مؤمنی که در مغرب است، برادرش را در مشرق می‌بیند.»^۳

عبدالله بن عجلان: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ما از کجا به قیام

۱. سیره‌ی چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۱۰۳۳.

۲. بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳. منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

پیشرفت‌های تربیتی در عصر قائم (عج) ■ ۶۵

او با خبر می‌گردیم؟» فرمود:

«بُضِيعُ أَحَدِكُمْ وَتَحْتَ رَأْسِهِ صَحِيفَةٌ عَلَيْهَا مَكْتُوبٌ طَاعَةٌ
مَعْرُوفَةٌ»؛

«هریک از شما (یا یکی از شما) صبح از بستر بر
می‌خیزد، در کنار سرش، دعوت نامه‌ای می‌بیند که در
آن نوشته شده است: طاعت خالصانه نشان دهید. (این
جمله آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی نور است)»^۱

پیشرفت‌های تربیتی در عصر قائم (عج)

امام باقر علیه السلام فرمود:

«تَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لِتَقْضِيَ فِي بَيْتِهِ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ
سُنَّةِ رَسُولِهِ»؛

«در عصر حکومت مهدی علیه السلام آن قدر حکمت و روشن
بینی به مردم داده می‌شود که زن در خانه‌ی خود بر
اساس قرآن و سنت رسول خدا ض قضاوت می‌کند.»^۲

پیشرفت‌های کشاورزی و اقتصادی

معصوم علیه السلام:

«يُلْغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَتَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ، وَلَا يَبْقَى فِي
الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يَعْمَرُهُ»؛

۱. بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۴.

۲. الامام المهدي عجل الله فرجه من المهد الى الظهور، ص ۶۰۱.

«حکومت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد و گنجینه های زمین برای او آشکار می گردد و در سراسر زمین، جای ویرانی نمی ماند، مگر این که آن را آباد خواهد ساخت.»^۱

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«وَ كَانِي بِالْعُجُوزِ وَعَلِي رَأْسَهَا مَكْتَلٌ فِيهِ بُرٌّ، فَتَأْتِي تِلْكَ الْأَرْحَاءَ
فَتَطْحَنُهُ بِلَا كِرَامٍ»؛

«گویا پیرزنی را می نگریم که زنبیلی محتوی گندم بر سر نهاده و به آن آسیابها می آید و گندم خود را به طور رایگان آرد کرده و به خانه اش می برد.»^۲

حضرت علی علیه السلام:

«وَيَزْرَعُ الْإِنْسَانُ مَدًّا يَخْرُجُ لَهُ سَبْعُمَاةٌ مَدًّا»؛

«یک کشاورز، به اندازه ی ده سیر گندم (یا برنج و...) در زمین می کارد و هفتصد برابر آن را برداشت می کند.»^۳

اسماء و القاب حضرت

ثقه الاسلام نوری ره در نجم ثاقب ۱۸۲ اسم برای حضرت ذکر کرده که از منتهی الآمال صفحه ۴۸۶ ج دوم ۱۰ اسم و لقب حضرت را با توضیح ذکر می کنیم.

اول: بقية الله. روایت شده که چون آن حضرت خروج کند، پشت

۱. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۷۶.

۲. الفیه الطوسی، ص ۲۸۱؛ سیره ی چهارده معصوم، ص ۱۰۳۷.

۳. عقد الذرّ، باب ۹، ص ۲۰۰.

کند به کعبه و جمع شود ۳۱۳ نفر، اول چیزی که حضرت می فرماید این آیه است.

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱

آنگاه می فرماید: «منم بقية الله و حجّت و خليفه او بر شما» پس سلام نمی کند بر او سلام کننده‌ای مگر آنکه می گوید:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».

دوم: حجّت که از القاب شایعه حضرت است کما اینکه در بسیاری از ادعیه و اخبار به همین لقب ذکر شده و بیشتر محدثین آن را ذکر نموده‌اند و با آنکه در این لقب سائر ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} شریکند و همه حجّت‌های خدا بر خلق هستند لکن چنان اختصاص به آن جناب دارد که در اخبار هر جا، بی قرینه و شاهدی ذکر شود مراد آن حضرت است و بعضی گفته‌اند:

لقب حضرت حجّة الله است یعنی غلبه یا سلطنت خدا بر خلایق که به واسطه‌ی آن حضرت به ظهور خواهد رسید و نقش انگشتر خاتم حضرتش اَنَا حُجَّةُ اللَّهِ است.

سوم: خَلْفٌ وَ خَلْفٌ صَالِحٌ که مکرراً در زبان ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} به این لقب آمده، به معنای جانشین. حضرت خلف جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته است و داراست جمیع علوم و صفات و حالات و خصایص آنها را و موارث الهیه که از آنها به یکدیگر می‌رسد و همه‌ی آنها در

آن حضرت و در نزد او جمع هست که با این نام در لوح نزد صدیقه طاهره علیها السلام آمده.

بر او است کمال صفوت آدم، رفعت ادریس، سکینه نوح، حلم ابراهیم، شدت موسی، بهاء عیسی و صبر ایوب.

چهارم: شریذ؛ حضرت، به صورت مکرر به این لقب در گفتار ائمه اطهار علیهم السلام مخصوصاً حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام ذکر شده است.

شریذ یعنی رانده شده از این مردم که نه حضرت را شناختند و نه قدر وجود نعمتش را دانستند و نه در مقام شکرگزاری و اداء حقش برآمدند و میخواستند اوائل که بر حضرت مسلط شوند و قبل از آن به قتل و قمع ذریه ی طاهره اخلاف ایشان مشغول شدند و با کمک زبانی و قلمی در مقام نفی و طردش از قلبها برآمدند و ادله بر اصل نبودن و نفی توگدش اقامه نمودند و خاطره‌ها و حواس مردم را از یادش محو نمودند، حضرت خطاب به ابراهیم پسر علی ابن مهزیار فرمود: پدرم وصیت نمود:

«منزل نگیرم از زمین مگر از آن که از همه جا مخفی تر و دورتر باشد، برای پنهان نمودن امر خود و محکم نمودن محل خود از کیدهای اهل ضلالت...»^۱

پنجم: غریم؛ که در روایات استعمال آن شایع هست، این لقب مخصوص به آن حضرت است، یعنی طلبکار و به معنای بدهکار هم

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲.

استعمال می شود که منظور همان معنای اول است و این تعبیر به خاطر تقیه بوده است.

چون شیعیان می خواستند وجوه‌هایی نزد آن حضرت یا وکیل‌های ایشان بفرستند یا وصیت کنند یا از طرف امام عصر علیه السلام مطالبه کنند به این لقب می خواندند و از اکثر زارعین و تجار طلبکار بود.

علامه مجلسی ره فرموده ممکن است غریم به معنای بدهکار باشد به خاطر اینکه حضرت شبیه شخص مدیون که خود را به علت دیون خود مخفی می کند یا اینکه چون مردم حضرت را برای گرفتن علوم و شریعت طلب می کنند و حضرت به خاطر تقیه می گریزد به حضرت غریم مستتر گویند.

ششم: قائم. یعنی بر پا شونده در فرمان حق تعالی. چون حضرت پیوسته در شبانه روز آماده‌ی فرمان الهی است. به محض اشاره ظهور می فرماید. روایت شده آن حضرت را قائم نامیدند برای اینکه قیام به حق خواهد نمود.

در روایت صقر بن ابی دلف آمده به امام جواد علیه السلام عرض کردم: «چرا ایشان را قائم نامیدند؟»

فرمود: «چون امامت را اقامه خواهد نمود، بعد از خاموش شدن ذکر او و مرتد شدن اکثر آنها که قائل به امامت آن حضرت بودند.»^۱
از ابو حمزه ثمالی روایت شده که گفت: سؤال کردم از امام محمد باقر علیه السلام که یابن رسول الله! آیا همه شما قائم بر حق نیستید؟ فرمود: «بلی»

گفتم: «پس چگونه حضرت صاحب الامر علیه السلام را قائم نامیدند؟» فرمود: چون زمانی که جدم حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد، ملائکه در درگاه الهی صدا به گریه و ناله بلند کردند و گفتند: «ای خداوند و سید ما! آیا غافل می شوی از قتل برگزیده ی خود و فرزند پیغمبر پسندیده و بهترین خلق خود؟»

پس حق تعالی وحی فرمود: «ای ملائکه من قرار گیرید. قسم به عزت و جلال خود که هر آینه انتقام خواهم کشید از اینها ولو بعد از مدت‌ها و زمان‌ها باشد»، پس یکی از آن انوار را دیدند که در میان آنها ایستاده، به نماز مشغول بود. خداوند متعال فرمود: «با این ایستاده از ایشان انتقام خواهم کشید.»^۱

البته اینجا به مناسبت در مورد برخاستن برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت مخصوصاً قائم علیه السلام می گویم: به جز سیره ی قطعیه مؤمنین، دو روایت را منتهی الامال، ج ۲، نقل می کند. اول: در مجلس امام صادق علیه السلام اسم مبارک آن جناب برده شد. حضرت برای تعظیم و احترام برخاستند. دوم: روایت شده دعبل خزاعی وقتی که قصیده ی خود را برای حضرت امام رضا علیه السلام انشاء کرد چون به این شعر و بیت رسید:

خروج امام لا محالة خارج يقوم علی اسم الله بالبرکات

حضرت برخاست و بر روی پاهای مبارک خود ایستاد و سر نازنین خود را خم کرد به سوی زمین پس از آنکه کف دست راست خود را بر سر گذاشته بود گفت:

۱. منتهی الامال، ج ۳، ص ۱۹۷۷.

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ قَرَجَهُ وَ مَخْرَجَهُ وَ انصُرْنَا بِهِ نَصْرًا عَزِيزًا».

هفتم: محمد علیه و علی آباءه السلام. اسم اصلی و نام اولی الهی حضرت است در اخبار متواتره خاصه و عامه است که رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی هم نام من است و در خبر لوح مستفیض اسم حضرت به این صورت نوشته شده:

«ابوالقاسم محمد بن الحسن هو حجة الله القائم».

در اوائل کتاب، اختلاف در رابطه با نبرد اسم حضرت را توضیح دادیم.

هشتم: مهدی صلوات الله علیه - که از همه اسماء و القاب حضرت بین جمیع فرق اسلامی مشهورتر است.
نهم: مُنتَظَر بفتح ظاء - یعنی انتظار برده شده که همه خلائق منتظر مقدم مبارک ایشانند.

دهم: ماءٌ معینٌ - یعنی: آب ظاهر جاری بر روی زمین.

از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است درباره‌ی آیه شریفه:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ»؛

«بگو اگر آب که مایه زندگانی شما فرو رفت در زمین

پس کیست بیاورد برای شما آب روان؟»^۱

فرمودند: این آیه در رابطه با قائم علیه السلام نازل شده است. اگر امام شما

غایب شد و نمی‌دانید در کجاست پس کیست که بیاورد برای شما

امام ظاهری که برای شما اخبار آسمان و زمین، حلال خداوند عزوجل

و حرام او را بیاورد؟ آنگاه فرمود: نیامده تاویل این آیه، حتماً تاویل آن خواهد آمد. وجه مشابهت آن حضرت این است که سبب حیات هر چیزی است بلکه حیات آب از آن جناب است.^۱

در کمال الدین روایت است از امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه:

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»

«بدانید: خدای تعالی زنده می کند زمین را بعد از

مردنش.»^۲

می فرماید: خداوند زنده می کند به سبب قائم علیه السلام زمین را بعد از

مردنش به خاطر کفر اهلش و کافر مرده است.^۳

شکل و شمایل حضرت

روایت شده آن حضرت شبیه ترین مردم است به رسول الله صلی الله علیه و آله در

خلقت و اخلاق،^۴ و شمائل او شمائل آن حضرت است^۵

ایشان سفید است که سرخی به او آمیخته و گندم گون است که

عارض شود آن را زردی به خاطر بیداری شب و پیشانی نازنیش فراخ و

سفید و تابان است، ابروانش به هم پیوسته، بینی مبارکش کشیده بوده و

نیکو رواست، نور رخسارش چنان درخشان است که مستولی بر سیاهی

۱. منتهی الآمال ج ۳ ص ۱۹۷۹.

۲. حدید، ۱۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸؛ تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۳۵.

۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۵. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

محاسن شریف و سر مبارکشان شده، گوشت روی نازنینش کم است. بر روی راستش خال است و می‌پنداری ستاره‌ایست درخشان. میان دندانهایشان فاصله است و چشمانش سیاه و سرمه‌گون و در سرش علامتی است، میان دو کتفش عریض و در شکم و ساق مانند جدش امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.^۱

و وارد شده:

«الْمَهْدِيُّ طَاوُوسٌ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ الدَّرِّيِّ عَلَيْهِ جَلَابِيبُ
النُّورِ»؛

«حضرت مهدی علیه السلام طاووس اهل بهشت است، چهره اش مانند ماه درخشانده، بر بدن مبارکش جامه‌هاست از نور»
«عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ»؛
«بر آن جناب جامه‌های قدسیه و خلعت‌های نورانیه ربّانیه است که به شعاع انوار فیض و فضل حضرت احدیت متلأء است.»^۲

در لطافت و رنگ چون گل بابونه و ارغوانی است که شب‌نم بر آن نشسته و شدت سرخیش را هوا شکسته، قدش چون شاخه بان درخت بیدمشک یا ساقه ریحان.

«لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الشَّامِخِ وَلَا بِالْقَصِيرِ اللَّازِقِ»؛

«نه بلند بی اندازه و نه کوتاه بر زمین چسبیده.»

۱. منتهی الآمال ج ۳ ص ۱۹۸۰.

۲. منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۹۸۱.

«بَلْ مَرْبُوعُ الْقَامَةِ مُدَوَّرُ الْمَامَةِ»

«قامتش معتدل و سر مبارکش مُدَوَّر».

«عَلَى خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ كَأَنَّهُ فِتَاةٌ مِسْكِ عَلِيٍّ رَضْرَاضَةَ عُنْبُرٍ»

«بر روی راستش خالی است که فکر می کنی ریزه

مشکی است که بر زمین عنبرین ریخته».

«لَهُ سَمْتٌ مَارَاتِ الْعُيُونِ أَقْصَدُ مِنْهُ»

«هیئت نیک خوشی داشت که هیچ چشمی هیئت با آن

اعتدال و تناسب ندیده».

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ

خصائص حضرت صاحب الزمان (عج)

چون در بعد از غیبت کبری و قبل از آن افراد سود جو خود را

جای حضرت ابوصالح المهدی علیه السلام معرفی می کنند در روایات شکل،

شماایل و خصائص حضرت مشخص شده است. اینک خصائص

حضرت از منتهی الآمال^۱:

اوّل - امتیاز نور ظلّ و شبح آن جناب است در عالم اظلمه بین انوار

ائمّه اطهار علیهم السلام چنانکه در جمله ای از اخبار معراجیه و غیره است که

«نور آن جناب در میان انوار ائمّه علیهم السلام مانند ستاره درخشان بود میان سایر

کواکب».

۱. همان .

۲. منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۹۸۲.

دوم - شرافت نسب: حضرت شرافت نسب همه آباء طاهرین خود را که نسبشان اشرف انساب است داراست و از طرف مادر اختصاص دارد نسبش به قیصره‌ی روم که نهایت جناب شمعون الصفا وصی حضرت عیسی علیه السلام که نسب وی به بسیاری از انبیاء و اوصیاء علیهم السلام می‌رسد. سوم - بردن دو ملک حضرت را در روز ولادت به سراپرده عرش و خطاب حق تعالی به او که مرحبا به تو ای بنده‌ی من برای نصرت دین و اظهار امر من و مهدی عباد من، قسم خوردم به درستی که به تو بگیرم و به تو بدهم و به تو پیامرزم.

چهارم - بیت الحمد: روایت است برای صاحب این امر علیه السلام خانه‌ای است بنام بیت الحمد

می‌گویند: در آن چراغی است روشن از ابتداء تولد تا آن روز که خروج کند با شمشیر و خاموش نمی‌شود.

پنجم - جمع میان کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اسم مبارک حضرت.

ششم - ختم وصایت و حجّت در روی زمین به آن حضرت.

هفتم - غیبت از روز ولادت و سپرده شدن، به روح القدس و تربیت شدن در عالم نور و فضای قدس که هیچ جزئی از اجزاء آن حضرت بلوث قذارت و کثافت و معاصی بنی آدم و شیاطین ملوث نشده و مؤانست و مجالست با ملاء اعلی و ارواح قدسیه.

هشتم - عدم معاشرت با کافر و منافق و فاسق به خاطر ترس و تقیه.

حضرت از روز ولادت تاکنون دست ظالمی بدامن مبارکش نرسیده و با کافر و منافقی مصاحبت ننموده است.

نهم - نبودن بیعت احدی از جبارین در گردن حضرت، در اعلام الوری از حضرت امام حسن علیه السلام نقل شده که فرمود: نیست از ما احدی مگر آنکه واقع می شود در گردن او بیعتی برای طاغیه زمان مگر قائمی که نماز می خواند عیسی ابن مریم علیه السلام پشت سر او.

دهم - داشتن در پشت، علامتی مثل علامت پشت مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که آن را ختم نبوت گویند، و شاید در حضرت اشاره به ختم وصایت باشد.

یازدهم - خداوند مختص حضرت قرار داده در کتابهای آسمانی و اخبار معراجیه، ذکر کردن آقا امام زمان علیه السلام را با لقب، بلکه با القاب متعدده و نبردن نام شریفش.

دوازدهم - ظاهر شدن نشانه های عجیب و غریب و علامات آسمانی و زمینی برای ظهور حضرت که بر تولد و ظهور هیچ حجتی ظاهر نشده است.

سیزدهم - ندای آسمانی به اسم آن جناب همراه ظهور، چنانچه در روایات بسیار وارد شده است و علی ابن ابراهیم در تفسیر آیه شریفه

«وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»؛

«و به ندای منادی حق روزی که از مکان نزدیک ندا کند گوش فرا دار»^۱.

از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: منادی ندا می کند

به اسم قائم و پدرش علیه السلام^۱.

و در غیبت نعمانی روایت شده از امام محمد باقر علیه السلام که می فرماید: منادی ندا می کند از آسمان به اسم قائم علیه السلام پس می شنود کسی که در مشرق و مغرب است، نمی ماند از خوف آن صدا خوابیده‌ای مگر آنکه می نشیند و نه نشسته‌ای مگر اینکه برمی خیزد.

و فرمود: آن صدا از جبرئیل است در شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان.^۲ اخبار بر این مضمون متجاوز از حدّ تواتر است.

چهاردهم - کند شدن حرکت شبانه روز و طولانی شدن آنها.

شیخ مفید از ابی بصیر رحمة الله علیهما نقل می کند که امام محمد باقر علیه السلام در حدیثی طولانی در سیر و سلوک حضرت قائم علیه السلام می فرماید: سلطنت حضرت هفت سال طول می کشد که هر سالی ده سال از این سالهای شماس است آنگاه احیاء می کند خداوند آنچه را که می خواهد، ابوبصیر می گوید: فدای تو شوم چگونه طول می کشد سالها؟

فرمود: امر می فرماید خداوند افلاک را به کندی حرکت لذا طول می کشد، ابوبصیر می گوید: ایشان می گویند: اگر تغییری پیش آید دنیا بهم می خورد. فرمود: این قول زنادقه و کفار است، اما مسلمین پس با توجه به شقّ القمر برای پیامبر خود علیه السلام و برگرداندن آفتاب برای یوشع بن نون و خبر دادن به طول روز قیامت و اینکه مثل هزار سال از سالهای معمول شماس است، راهی برای اینکه بگویند: دنیا فاسد می شود، ندارند.

۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۲۷.

۲. الغیبه نعمانی، ج ۱، ص ۲۵۴.

پانزدهم - ظهور مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام، مصحف حضرت امیر توسط خود حضرت جمع آوری شده که دارای تمامی آنچه بر آن حضرت بر سبیل اعجاز نازل شده می باشد، مولا بعد از جمع کردن آنها بر صحابه عرضه نمود و آنها اعراض کردند، سپس آن را مخفی کرد و همینطور باقی ماند تا به دست امام زمان علیه السلام ظاهر شود، مردم مأمور می شوند که آن را بخوانند و حفظ نمایند.

شانزدهم - پیوسته بر سر آن حضرت ابر سفید سایه می اندازد و منادی ندا می کند در آن، طوری که بشنوند بزرگ و کوچک که اوست مهدی آل محمد علیهم السلام بر می کند زمین را از عدل چنانکه پر شده از جور و این ندا غیر از آن است که در سیزدهم گفتیم.

هفدهم - در لشکر حضرت ملائکه و جن حضور دارند و یاران حضرت آنها را می بینند.

هجدهم - پیر نشدن حضرت از جهت بدنی و مزاجی با وجود سن بالای هزار و صد و چند سال و خدا می داند که تا ظهور چند سال دیگر به عمر شریفش اضافه شود، چون حضرت ظاهر می شود در صورت مردی چهل ساله. شیخ صدوق رحمته الله روایت کرده از ابوالصلت هروی، گفت: گفتم بجناب امام رضا علیه السلام چیست علامت قائم شما موقعی که ظهور می نماید؟ فرمود: علامتش آن است که در سن پیری باشد و به صورت جوان، تا جایی که مشاهده کننده ی حضرت، گمان می کند ایشان در سن چهل سالگی یا کمتر از چهل سالگی است.

نوزدهم - از میان حیوانات وحشت و نفرت از بین می رود. همچنین

میان آنها و انسان چنانکه پیش از کشته شدن هابیل بود. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود: اگر قائم ما خروج کند صلح شود میان درندگان و حیوانات دیگر. حتی اینکه زن، راه می‌رود میان عراق و شام، نمی‌گذارد پای خود را مگر بر گیاه و بر سر او زینت‌های اوست. به هیجان نمی‌آورد او را درنده و نمی‌ترساند او را. بیستم - جمعی از گذشتگان در رکاب آن حضرت خواهند بود، شیخ مفید نقل کرده: بیست و هفت نفر از قوم موسی علیه السلام، هفت نفر اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابوذر، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر از یاران حضرت خواهند بود و حاکمان حضرتش در شهرها می‌شوند، روایت شده هر کس چهل صبح دعای عهد را بخواند از یاران امام زمان علیه السلام باشد و اگر پیش از حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون می‌آورد و در خدمت آن حضرت قرار می‌گیرد. بیست و یکم - زمین گنج‌ها و ذخیره‌هایی را که در خود پنهان کرده، آشکار می‌کند.

بیست و دوم - زیاد شدن باران و گیاه، درختان، میوه‌ها و سایر نعم ارضیه به نحوی که حالت زمین تغییر پیدا می‌کند و تغییرات تأیید قول خداوند تبارک و تعالی است:

«يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ»؛

«روزی که زمین (به امر خدا) به غیر این زمین مبدل شود و هم آسمان‌ها دگرگون شوند».^۱

بیست و سوم: کامل شدن عقل‌های مردم به برکت وجود آن حضرت و گذاشتن دست مبارک خود بر سر آنها و رفتن کینه و حسد از دل‌هایشان که جزء طبیعت ثانیه‌ی بنی آدم شده از زمان کشته شدن هابیل تا کنون، و کثرت علوم و حکمت آنها و اینکه علم قذف شود در دل‌های مؤمنین به طوری که کسی محتاج به علمی که نزد برادر اوست نمی‌شود لذا ظاهر شود تأویل این آیه شریفه:

«يَفْنِ اللَّهُ كُلاًّ مِنْ سَعْتِهِ»

«باز خدا هر یک را به دیگری از رحمت واسع خود بی‌نیاز خواهد کرد.»^۱

بیست و چهارم - قدرت و قوت خارج از عادت در چشم‌ها و گوش‌های اصحاب حضرت به حدی که حضرت از چهار فرسخی با آنها صحبت کند، بشنوند و به سوی آن جناب نگاه کنند.
بیست و پنجم - طول عمر اصحاب و یاران حضرت طوری که روایت شده شخص در حکومت حضرت مهدی علیه السلام آنقدر عمر می‌کند که متولد می‌شود برای او هزار پسر.

بیست و ششم - رفتن بلاها و ضعف از بدن‌های یاران حضرت.
بیست و هفتم - دادن قدرت و قوت چهل مرد به هر یک از انصار و یاران آن حضرت و دل‌های آنها مانند پاره آهن گردیده که اگر به آن قدرت خواستند، کوه را از جا بکنند خواهند کند.

بیست و هشتم - بی‌نیازی خلق به وسیله‌ی نور آن جناب از نور

آفتاب و ماه چنانکه در تفسیر آیه‌ی شریفه

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛

«و زمین به نور ربّ خود روشن گردد.»^۱

روایت شده: مرتبی زمین امام زمان صلی الله علیه و علی آبائه است.

بیست و نهم - بودن رایت رسول خدا ﷺ با حضرت.

سی ام - راست نیامدن زره حضرت رسول ﷺ مگر بر قد آن

حضرت و بودن بر بدن حضرت همچنانکه بر بدن مبارک حضرت ﷺ بوده است.

سی و یکم - حضرت ابر مخصوص دارد، خدای تعالی آن را برای

ایشان ذخیره کرده و در آن است رعد و برق، حضرت سوار می شود

بر آن می برد آن حضرت را در راه‌های هفت آسمان و هفت زمین.

سی و دوّم - تقیه و خوف نسبت به کفار، مشرکین و منافقین لازم

نیست، بندگی کردن خدای متعال، سلوک در امور دنیا و دین به

حسب نوامیس الهیه و فرامین آسمانیه - بدون احتیاج به، دست برداشتن

از بعضی از آنها به خاطر ترس مخالفین و مرتکب اعمال ناشایسته طبق

کردار ظالمین - میسر می شود. چنانچه خدای تعالی در کلام خود

وعده فرموده:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

وَلَيَدْلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛

«وَعَدَهُ دَادَهُ خُدَاىِ تَعَالَى اَنَّا نَرَا كِه اِيْمَانِ اَوْرْدَنْدُ اَز شَمَا
وَعْمَلِ صَالِحِ اَنْجَامِ دَادَنْدُ هَر اَيْنِه اَلْبَتِه خَلِيْفَه وَ جَانَشِيْن
دَر زَمِيْنِ قَرَارِ دَهْدُ چَنَانچِه گَرْدَانِيْد اَنَّا نَرَا كِه بُوْدَنْدُ
پِيْشِ اَز اِيْشَانِ وَ بِه دَرَسْتِيْ كِه اَلْبَتِه مَتَمَكِّنْ خَوَاهْدُ كَرْدُ
بِرَاىِ اِيْشَانِ دِيْنَشَانِ رَا كِه پَسَنْدِيْدِ بِرَاىِ اَنهَا وَ هَر اَيْنِه
اَلْبَتِه تَبْدِيْلِ خَوَاهْدُ كَرْدُ بَعْدِ اَز تَرَسِ اِيْشَانِ اِيْمَنِى كِه
بِيْرَسْتَنْدُ مِرَا وَ شَرِيْكِ قَرَارِ نَدَهْنْدُ بِرَاىِ مَن چِيْزِيْ رَا.»^۱

سى و سوم - سلطنت حضرت تمام زمين از شرق و غرب، خشكى
و دريا، آباد و خراب، كوه و دشت، و همه جا را مى گيرد تا نماند
جائى كه حكمش جارى و امرش نافذ نشود و روايات در اين معنى
متواتر است.

«وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً»؛

«و حال آن كه هر كه در آسمان ها و زمين است، خواه نا
خواه، مطيع امر خداست.»^۲

سى و چهارم - پر شدن تمام روى زمين از عدل و داد چنانكه در
اکثر قريب به اتفاق روايات اين بشارت و منقبت در آن مى باشد.
سى و پنجم - در ميان مردم به علم امامت و نخواستن بينه و شاهد
حكيم مى فرمايد مثل حكيم داوود و سليمان عليهما السلام.
سى و ششم - اجراى احكام و حدودى كه تا آن زمان ظاهر و

۱. نور، ۵۵

۲. آل عمران، ۸۳

اجراء نشده است مثل: کشتن پیر زانی و مانع الزکاة و بردن ارث برادر از برادر خود که عقد أخوت میانشان بسته شده در عالم ذر. شیخ طبرسی ره روایت کرده: حضرت مرد بیست ساله را که علم دین و احکام مسائل خود نیاموخته را می کشد.

سی و هفتم - هویدا شدن تمام مراتب علوم. صادق آل محمد علیهم السلام می فرماید: علم بیست و هفت حرفست، جمیع آنچه پیغمبران آوردند دو حرف بود و مردم تا امروز غیر از این دو حرف را نشناختند، هر گاه خروج کرد قائم علیه السلام بیرون آورد بیست و پنج حرف را، پس پراکنده می کند آنها را در میان مردم و منضم می نماید به آن، دو حرف دیگر را تا آنکه منتشر می فرماید تمام بیست و هفت حرف را.

سی و هشتم - آوردن شمشیرهای آسمانی برای یاران و اصحاب آن حضرت.

سی و نهم - اطاعت حیوانات انصار حضرت را.

چهارم - جاری شدن دو نهر آب و شیر به صورت دائم در پشت کوفه که مقر سلطنت حضرت می باشد از سنگ حضرت موسی علیه السلام که همراه امام علیه السلام است. امام باقر علیه السلام فرمود: چون قائم علیه السلام خروج کند و اراده‌ی مکه نماید تا متوجه کوفه شود منادی آن حضرت ندا کند:

آگاه باشید کسی حمل نکند طعامی و نه آبی و حجر موسی را که جاری شده بود از آن دوازده چشمه آب حمل نماید، فرود نمی آیند در منزلی مگر آنکه نصب می فرماید آن را و از آن چشمه‌ها جاری می شود پس هر که گرسنه باشد سیر می شود و هر که تشنه باشد سیراب

می‌گردد، آن سنگ توشه‌ی ایشان است تا وارد نجف شوند پشت کوفه، پس زمانی که فرود آمدند جاری می‌شود، آب و شیر مدام که هر کس گرسنه باشد سیر و هر که تشنه باشد سیراب می‌گردد.

چهل و یکم - فرود آمدن حضرت روح الله عیسی ابن مریم علیه السلام از آسمان برای یاری حضرت مهدی علیه السلام و نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام در پشت سر آن جناب چنانکه در روایات بسیار وارد شده بلکه خدای متعال آن را از مدایح و مناقب حضرت ابوصالح علیه السلام شمرده.

در خبر طولانی مرویست: خداوند تبارک و تعالی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج فرمود: عطا کردم به تو بیرون آوردن از صلب او یعنی علی علیه السلام یازده مهدی که همه از ذریه تو باشند از بکر بتول، آخرین ایشان در خلف او عیسی ابن مریم علیه السلام نماز می‌خواند، پر می‌کند زمین را از عدل چنانچه پر شده از ظلم و جور، به او نجات می‌دهم از هلاکت و هدایت می‌کنم از ضلالت و گمراهی، عافیت می‌دهم از کوری و شفا می‌دهم به واسطه‌ی او مریض را.

چهل و دوّم - کشته شدن دجال لعین که از عذابهای الهی است برای اهل قبله. امام محمد باقر علیه السلام تفسیر فرموده عذاب در آیه شریفه‌ی:

«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰی اَنْ يَّبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ»

«بگو اوست توانا که بر شما عذابی از آسمان یا زمین فرو فرستد.»

را به دجال و صیحه و فرمودند: هیچ پیغمبری نیامد مگر آنکه

ترساند مردم را از فتنه‌ی دجال.

چهل و سوّم - جایز نبودن هفت تکبیر بر جنازه‌ی احدی بعد از امیرالمؤمنین علی علیه السلام جزء پیکر مطهر آن حضرت چنانکه در حدیث وفات حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام و وصیت حضرت به امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است.

چهل و چهارم - تسبیح حضرت از هیجدهم تا آخر ماه است، چون تسبیح حضرت محمدابن عبدالله علیه السلام در روز اوّل ماه است، امیرالمؤمنین علی علیه السلام دوّم ماه، حضرت زهرا علیها السلام سوم همینطور تا حضرت امام رضا علیه السلام که دهم و یازدهم است، حضرت جواد علیه السلام دوازدهم و سیزدهم، حضرت هادی علیه السلام چهاردهم و پانزدهم حضرت عسکری علیه السلام شانزدهم و هفدهم است و تسبیح حضرت حجة علیه السلام در هیجدهم تا آخر ماه می‌باشد و این است:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ
مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ.

چهل و پنجم - انقطاع سلطنت جبابره و دولتهای ظالم در دنیا به وسیله‌ی وجود آن جناب. و دولت حضرت متصل شود به قیامت یا به رجعت سائر ائمه علیهم السلام یا به دولت فرزندان آن حضرت. نقل است امام صادق علیه السلام مکرّر به این بیت مترنم بود:

«لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَ دَوْلَتَنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ يَظْهَرُ»
«السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُهْدِي الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ»

سروده‌ی حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله العالی

از کتاب با جوانان:

گل نرگس

زان لب لعل که رشک شکر است
 خواهد آنکس که ز اهل بصر است
 عاشق و واله و شیدای تو شد
 هر کسی عارف و صاحب نظر است
 هر کسی محنت هجران دید است
 از دل خسته‌ی من با خیر است
 بی تو گر عمر ابد بخشندم
 همه‌ی آن ضرر اندر ضرر است
 هر که را یاد تو از یاد برفت
 روز گارش خطر اندر خطر است
 ز آنچه گل در چمن حسن بود
 گل نرگس ز همه خوبتر است
 کی برون آیی از این پرده‌ی غیب
 شام هجران تو را کی سحر است
 (لطفی صافیت) ای معدن لطف
 از غم هجر تو خونین جگر است

حضرت در میان اهل سنت

از مباحث گذشته، روشن شد که مسأله انتظار ظهور بین شیعه و سنی اجماعی و مورد اتفاق است؛ برای نمونه، جملاتی از علمای فرقه‌ی افراطی وهابی که پیرو مذهب حنبلی هستند را نقل می‌کنیم.

۱ - نظریه علمای وهابی:

شخصی به نام ابومحمد از کنیا، درباره‌ی ظهور مهدی منتظر، از مرکز دینی رابطه العالم الاسلامی - که با نفوذترین مراکز مذهبی حجاز و مکه است - سؤال کرده است؛ دبیر کل رابطه - مجهر صالح القزاز - در پاسخی که برای او فرستاده، ضمن تصریح به این که ابن تیمیه - مؤسس فرقه وهابیت - نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته، متن رساله‌ی کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز، در این زمینه تهیه کرده‌اند، برای او ارسال داشته است؛ در این رساله پس از ذکر نام حضرت مهدی و محل ظهور او - یعنی مکه - چنین می‌خوانیم:

«... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله‌ی او مهدی، جهان را پر از عدل و داد می‌کند؛ همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است. او از آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر ﷺ از آنها در کتب صحاح، خبر داده است.

احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، از جمله: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عباس، عمّار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابو امامه،

جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و أم سلمه. اینها بیست نفر از کسانی هستند که در روایات، مهدی را نقل کرده‌اند و به غیر از آن‌ها، افراد زیاد دیگری وجود دارند....

عده‌ای از بزرگان و دانشمندان اسلام، از قدیم و جدید نیز در نوشته‌های خود، تصریح کرده‌اند که احادیث، در زمینه‌ی مهدی در سر حدّ تواتر است و به هیچ عنوان، قابل انکار نیست...؛ بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی، بر هر مسلمانی واجب است و این عقاید اهل سنت و جماعت، محسوب می‌شود و جز افراد نادان و بی‌خبر یا بدعت‌گذار، آن را انکار نمی‌کنند.^۱

۲- نظریه دو تن از علمای شافعی:

محمد بن یوسف گنجی متوفی ۶۵۸ ه. ق در باب ۲۵ کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان می‌گوید:

«مهدی ممکن است تا زمان ظهورش زنده بماند، و هیچ مانعی در این امر نیست؛ همچنان که عیسی و خضر زنده می‌باشند.»

احمد بن حجر هیثمی شافعی متوفی ۹۷۴ ه. ق در کتاب خود به نام الصواعق المحرقة از ابوالحسن امری، چنین نقل می‌کند:

۱. حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، ص ۱۰۵.

«اخبار متواتر و فراوان از پیامبر ﷺ نقل شده که سرانجام، مهدی ظهور می کند و او از اهل بیت پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.»

۳- نظریه علمای حنبلی:

نظریه ی ابن تیمیه که فقیه حنبلی و از بزرگان آنها بود، گذشت؛ ابن قیم جوزی حنبلی متوفی ۵۷۱ ه.ق در کتاب خود به نام المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، می گوید:

«دیدگاه سوم: این که مهدی مردی از خاندان پیامبر و از فرزندان حسین بن علی است و در آخر الزمان وقتی که زمین آکنده از ظلم و جور شده باشد ظهور کرده و آن را سرشار از عدل و داد می نماید که بیشتر روایات، بر این قول دلالت دارد.»

۴- نظریه یکی از علمای مالکی:

ابن صباغ مالکی متوفی ۸۵۵ ه.ق در کتاب خود به نام الفصول المهمه فی معرفة احوال الائمة ﷺ می گوید:

«ابوالقاسم محمد، الحجّة بن الحسن الخالص، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق در شهر سامرا به دنیا آمد؛ کنیه اش ابوالقاسم و القاب او حجّت، مهدی، خلف صالح، قائم، منتظر و صاحب الزمان و مشهورترین لقبش، مهدی است.»

۵- نظر یکی از علمای حنفی:

سلیمان قندوزی در کتاب خود به نام *ینایع المودة* که دهها حدیث در تطبیق آیات قرآن با حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده است و ما تنها به نقل یک مورد اکتفا می کنیم - به سند خود از علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل می کند حضرت فرمود:

«چهارمین فرزند من... که خداوند به وسیلهی او زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می کند؛ او همان کسی است که منادی برای او از آسمان - به طوری که تمامی اهل زمین بشنوند - ندا می کند: آگاه باشید که حجت خدا نزد خانهی خدا ظهور کرده؛ از او پیروی کنید، زیرا حق در مسیر او و با اوست.»^۱

پس امام فرمود: همین است سخن پروردگار

«إِنْ نَشَأُ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»
 «اگر می خواستیم، از آسمان آیه ای بر آنان نازل می کردیم که در برابر آن خاضع گردند و سر تسلیم فرود آورند.»^۲

خطبهی غدیر و مهدی موعود

از جمله به بند هشتم خطبه غدیر خم حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

۱. حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، ص ۱۰۵.

۲. شعراء، ۴.

می‌توان اشاره کرد که مورد تأیید شیعه و سنی می‌باشد.

حضرت می‌فرماید:

«أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ؟»

«آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست.»

«أَلَا إِنَّهُ الْمُسْتَقِيمُ مِنَ الظَّالِمِينَ؟»

«هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمگران.»

«أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الخُصُونِ وَ هَادِمُهَا؟»

«هشدار! اوست فاتح دژها و منهدم کننده‌ی آنهاست.»

«أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشَّرِكِ وَ هَادِيهَا؟»

«هشدار! اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و رهنمای

آنان.»

«أَلَا إِنَّهُ الْمُنْدِرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ؟»

«هشدار! او خونخواه تمام اولیای خداست.»

«أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِي اللَّهِ؟»

«آگاه باشید! اوست یاور دین خدا.»

«أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنَ بَحْرِ حَمِيْقٍ؟»

«هشدار! که از دریایی ژرف پیمانه‌هایی افزون گیرد.»

«أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ؟»

«هشدار! او به هر ارزشمندی به اندازه‌ی ارزش او، و به

هر نادان و بی‌ارزشی به اندازه‌ی نادانی‌اش نیکی کند.»

«أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُحْتَارُهُ؟»

«هشدار! او نیکو و برگزیده‌ی خداوند است.»

«أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ؛»

«هشدار! او وارث دانش‌ها و حاکم بر ادراک‌هاست.»

«أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنِ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ؛»

«هان! بدانید او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و

آیات و نشانه‌های او را بر پا کند.»

«أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ؛»

«بدانید همانا اوست بالیده و استوار.»

«أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ؛»

«بیدار باشید! هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین

آنان] به او واگذار شده است.»

«أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ؛»

«آگاه باشید! تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگوئی

کرده‌اند.»

«الْبَاقِي حُجَّةٌ وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ؛»

«آگاه باشید! اوست حجّت پایدار و پس از او حجّتی

نخواهد بود. درستی و راستی و نور تنها نزد اوست.»^۱

«أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ؛»

«هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و ستیزنده‌ی او یاری

۱. این تعبیر به عنوان حجّت و امامت است و نظری به رجعت دیگر امامان ندارد، زیرا آنان حجّت‌های پیشین‌اند که دوباره رجعت خواهند نمود.

نخواهد گشت.»

«أَلَا إِنَّهُ وَلِي اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ
عَلَانِيَتِهِ!»

«آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان
مردم و امانتدار امور آشکار و نهان است.»

همچنین در قسمت دهم همین خطبه می فرماید:

«خَاتِمَتِهَا الْمَهْدِي إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يَقْدَرُ وَ يَقْضِي!»

«و فرجام امامان، مهدی است و استواری امامت تا روزی
است که او با خداوند قدر و قضا دیدار کند.»^۱

قضیه انار و وزیر ناصبی در بحرین

شیخ عباس قمی * در منتهی الامال از بحار الانوار نقل کرده است
که در آن کتاب شریف آمده: جماعتی از راستگویان ذکر کردند،
مدتی ولایت بحرین تحت حکومت اروپائیان بود و آنها مسلمانی را
والی آنجا قرار دادند شاید باعث آبادی و بهتر باشد ولی آن حاکم از
ناصریان بود و وزیری داشت که در عداوت از او بدتر و به خاطر
دوستی مردم به اهل بیت رسالت * مدام اظهار دشمنی نسبت به اهل
بحرین می نمود و دائم برای کشتن و ضرر رساندن به اهل آن بلاد
حیلها و مکرها می کرد.

روزی وزیر خبیث در حالی که اناری در دست داشت پیش حاکم

۱. پیام نگار مقدمه، متن و ترجمه‌ی خطابه‌ی غدیر، صفحه ۷۶، شرح و ترجمه: سید حسین حسینی.

رفت و آن انار را به او داد، حاکم تا نگاه کرد دید بر آن نوشته: لا اله الا الله، مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ، ابوبکر، عمر، عثمان و علی خلفاء رسول الله و آن نوشته از اصل انار است و به صناعت خلق نمی ماند.

متعجب شده گفت: این علامت و دلیلی است ظاهر و قوی بر بطلان مذهب رافضه، نظر تو درباره مردم بحرین چیست؟
وزیر گفت: اینها جماعتی متعصب اند انکار دلیل می کنند. سزاوار است ایشان را حاضر کرده این انار را نشانشان دهی.

اگر قبول کنند و از مذهب خود برگشتند برای تو است ثواب جزیل و اگر برگشتند و در گمراهی خود باقی ماندند مخیرشان کن میان یکی از سه چیز: اول جزیه دهند با ذلت. دوم جوابی از این دلیل بیاورند که نمی توانند. سوم آنکه مردان ایشان را بکشی و زنان و اولادشان را اسیر نمائی و اموالشان را به غنیمت برداری. حاکم تحسین نمود و علماء، افاضل و اخیار آنها را حاضر کرده، انار را نشانشان داد و گفت: اگر جواب کافی بیاورید این سه راه را دارید.

بزرگان شیعه متحیر گردیده قادر بر جواب نبودند و روی هایشان متغیر گردید و بدنشان شروع به لرزیدن کرد.
گفتند: ای امیر سه روز به ما مهلت بده شاید جوابی بیاوریم و گرنه بکن آنچه می خواهی.

امیر قبول کرد. آنها با خوف و تحیر از نزد او بیرون رفتند و در مجلسی جمع شدند و هر کس نظری داد، در نهایت متفق شدند بر اینکه از صلحاء و زهاد ده نفر را انتخاب کنند آن گاه از میان آنها سه

نفر را برگزیدند و به یکی از آنها گفتند: امشب در صحرا خدا را عبادت کرده و به امام زمان ابوصالح المهدی علیه السلام استغاثه کن و چاره بیرون رفت از این بلیه عظیمه را بخواه که او حجّت خداوند عالم بر ماست. در تمام شب خدا را از روی خضوع عبادت نمود و گریه و تضرع کرد و استغاثه به امام زمان علیه السلام نمود، اما چیزی ندید و برگشت. شب دوّم یکی دیگر را فرستادند و او مثل رفیق اوّل چیزی ندید، جزع ایشان زیاد شد.

آخری محمّد بن عیسی که مرد پرهیزکاری بود را حاضر کردند و او در شب سوّم با سر و پای برهنه به صحرا رفت و آن شبی بود بسیار تاریک. به دعا و گریه مشغول شده متوسّل به حق تعالی گردید و به حضرت صاحب الامر علیه السلام استغاثه نمود تا آن بلیه را از مؤمنان بردارد. چون آخر شب شد شنید مردی به او خطاب می‌نماید: ای محمّد بن عیسی! چرا تو را به این حال می‌بینم؟ چرا بسوی این بیابان بیرون آمدی؟ گفت: ای مرد! مرا واگذار، من برای امر عظیمی بیرون آمده‌ام و آن را ذکر و شکوه نمی‌کنم مگر برای امام خود، کسی که قادر باشد بر کشف آن.

فرمود: ای محمّد بن عیسی منم صاحب الامر ذکر کن حاجت خود را. عرض کرد: اگر صاحب الامری قصّه مرا می‌دانی و احتیاج به گفتن نداری.

فرمود: راست می‌گوئی آمده‌ای برای بلیه‌ای که در مورد آن انار بر شما وارد شده و آن خوفی که حاکم بر شما کرده است.

گفت: چون این کلام معجزه آسا را شنیدم متوجه آن سمتی شدم که صدا می‌آمد، عرض کردم: ای مولای من، تو می‌دانی که چه چیز به ما رسیده و توثی امام و ملاذ و پناه ما و قادری بر رفع آن.

فرمود: ای محمد بن عیسی در خانه وزیر لعنة الله علیه درختی است از انار وقتی که آن درخت بار گرفت از گل‌تر شکل اناری ساخت و دو نیم کرد و در میان نصف هر یک از آنها مقداری از آن کلمات را نوشت این در حالی است که انار کوچک و بر روی درخت بود آن را در میان آن قالب گل گذاشت و بست چون بزرگ شد اثر نوشته در آن ماند و چنین شد.

صبح به نزد حاکم برو و بگو: من جواب این ینه را آورده‌ام لکن نمی‌گویم مگر در خانه وزیر.

وقتی داخل خانه وزیر شدید، سمت راست خود غرفه‌ای خواهید دید، به حاکم بگو: جواب نمی‌گویم مگر در غرفه، وزیر ممانعت می‌کند و تو اصرار کن، و نگذار وزیر زودتر و تنها داخل اتاق شود و تو اول داخل شو. در غرفه طاقچه‌ای خواهی دید که کیسه‌ی سفیدی در آن است. کیسه را بردار، در آن قالب گلی است که آن ملعون در آن کرده است. پس در حضور حاکم انار را در آن قالب بگذار تا آنکه حیل او معلوم گردد. بگو معجزه دیگر ما آنست که آن انار را چون بشکنند بغیر از دود و خاکستر چیز دیگر در آن نخواهند یافت و اگر صحت این سخن را می‌خواهید به وزیر امر کنید در حضور مردم انار را بشکنند و چون بشکنند آن خاکستر و دود بر صورت و ریش

وزیر خواهد رسید.

محمد بن عیسی بسیار شاد گردید و زمین را بوسید و با شادی و سرور بسوی اهل خود برگشت و صبح هنگام نزد حاکم رفتند و ظاهر شد معجزاتی که آن حضرت خبر داده بود.

حاکم گفت: این امور را چه کسی به تو خبر داده؟

گفت: امام زمان و حجّت خدای بر ما.

والی گفت: کیست امام شما؟

پس او ائمه را نام برد تا به امام عصر رسید.

حاکم گفت: دست دراز کن تا من بیعت کنم. گواهی می‌دهم نیست خدائی مگر خداوند یگانه و محمد بنده و رسول اوست و خلیفه بلافصل او، امیر المومنین است و به هر یک از امامان اقرار نمود و امر به قتل وزیر داد و از مردم عذر خواهی کرد. این قضیه نزد اهل بحرین معروف و قبر محمد بن عیسی ره مورد احترام و زیارتگاه مردم می‌باشد.

غیبت صغری و نائبان چهارگانه

فشار و شرایط سخت زمان، باعث شد که پس از شهادت امام حسن عسکری در سال ۲۶۰ هجری، حضرت مهدی غایب گردید، به طوری که حتی شیعیان خاص از دیدار او جز در موارد نادر محروم گشتند.

مطابق روایات بسیار، آن حضرت دارای دو غیبت است:

۱ - غیبت صغری (کوتاه)، ۲ - غیبت کبری (طولانی).

در غیبت صغری که از سال ۲۶۰ آغاز شد و تا سال ۳۲۹ ادامه یافت (حدود هفتاد سال) آن حضرت توسط نمایندگان خاصش که به نواب اربعه (نایب های خاص چهار گانه) معروفند با مردم تماس داشت، نام این چهار نایب خاص و مدت نیابتشان از این قرار است:

۱ - عثمان بن سعید عمری - از سال ۲۶۰ تا ۳۰۰ (چهل سال) او در سال ۳۰۰ از دنیا رفت.

۲ - محمد ابن عثمان، پس از پدر عهده دار نیابت خاص شد، و پنج سال نیابت کرد و سرانجام در سال ۳۰۵ هجری در گذشت.

۳ - حسین بن روح نوبختی که در شعبان ۳۲۶ وفات کرد، بنابراین حدود ۲۱ سال عهده دار مقام نیابت بود.

۴ - علی بن محمد سمري که در نیمه ی شعبان سال ۳۲۹ وفات کرد و حدود سه سال نیابت نمود.

به این ترتیب این چهار بزرگوار که هر کدام فقیهی عالیقدر و ممتاز بودند بین شیعیان و حضرت مهدی علیه السلام وساطت می کردند و اموردوران هفتاد ساله ی غیبت صغری را بر عهده گرفتند و مسئولیت خطیر نیابت خاص را به خوبی به پایان رساندند. مرقد شریف نواب اربعه در مدائن (نزدیک بغداد) در کنار قبر حضرت سلمان رضی الله عنه قرار گرفته است.

لازم به تذکر است که چهار نایب خاص نام برده هر کدام دارای نمایندگان بودند، آن نمایندگان با شیعیان تماس داشتند، نامه ها، سؤالات و اموال سهم امام علیه السلام را از آنها می گرفتند و به نایب های

خاص تحویل می دادند و یا طبق دستور آنها، آن اموال را به مصرف می رساندند، بعضی از این نمایندگان، عبارت بودند از:

۱ - حاجز بن یزید و شاء

۲ - ابراهیم بن مهزیار

۳ - محمد بن ابراهیم بن مهزیار

۴ - احمد بن اسحاق اشعری قمی

۵ - محمد بن اسدی

۶ - قاسم بن علاء

۷ - حسن بن قاسم بن علاء

۸ - محمد بن شاذان^۱

آغاز غیبت کبری

نایبان چهارگانه، هر کدام به دستور مستقیم حضرت مهدی علیه السلام یکی پس از دیگری نصب می شدند، هنگامی که علی بن محمد سمّری رضی الله عنه نایب چهارم امام قائم علیه السلام از دنیا رفت، دوران سفارت و نیابت خاص و غیبت صغری به پایان رسید. شش روز قبل از وفات علی بن محمد سمّری، نامه ای از حضرت مهدی علیه السلام به او داده شد. او آن نامه را برای شیعیان خاص خواند و آن ها متن آن نامه را که همچون یک اعلامیه ای امام مهدی علیه السلام در مورد ختم دوران غیبت صغری بود، نوشتند و از

۱. الامام المهدی عجل الله فرجه من المهد الى الظهور، ص ۲۰ و ۲۱؛ سیره چهارده معصوم، ص ۹۸۸.

خانه‌ی او خارج شدند. آن متن چنین بود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيِّ، أَكْثَمَ اللَّهِ
أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ، فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ،
فَأَجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِي إِلَيَّ أَحَدٍ فَيُقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ
فَقَدْ وَقَعَتِ الْغِيْبَةُ النَّائِمَةُ، فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ - تَعَالَى
ذِكْرُهُ - وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَكَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ
الْأَرْضِ جَوْرًا...»^۱

«به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان - ای علی بن محمد
سمری، خداوند اجر برادرانت را در مورد فقدان تو،
بزرگ کند، تو پس از شش روز از دنیا می‌روی، امور
خود را سامان بده و آماده‌ی رحلت باش و به هیچ کس
در مورد جانشینی وصیت نکن، غیبت کامل (غیبت دوم
و کبری) واقع شد، دیگر ظهوری نیست مگر بعد از اذن
خداوند متعال و این ظهور پس از مدتی طولانی در آن
هنگام است که دل‌ها سخت شده و زمین پر از ظلم و
جور گشته است.»^۱

ماجرای سرداب

سرداب به معنی زیر زمین است، که در زیر زمین ساخته می‌شود،
تا در شدت گرمای تابستان، به آن پناه ببرند. اکثر خانه‌های مناطق

۱. کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۵۱۲؛ سیره‌ی چهارده معصوم، ص ۹۸۹.

گرمسیری عراق، از قدیم و ندیم دارای سرداب می‌باشد، تا در تابستان مورد استفاده قرار گیرد، خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام در شهر سامرا نیز دارای سرداب بود، مدتی امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در این سرداب زندگی کردند و حضرت مهدی علیه السلام نیز در این سرداب زندگی نموده است. در نتیجه این سرداب به خاطر زندگی این بزرگواران، مبارک و پر میمنت شده است.

عصر معتضد عباسی (شانزدهمین خلیفه‌ی عباسی) بود و در بغداد می‌زیست. او سپاهی را برای دستگیری امام مهدی علیه السلام به سامرا فرستاد. یکی از مأموران برجسته‌ی او به نام «رشیق» می‌گوید: وقتی که سپاه معتضد وارد سامرا شدند، از آن جا به طرف آن سرداب که حضرت مهدی علیه السلام در آنجا بود، هجوم آوردند. پشت در سرداب صدای تلاوت قرآن را از حضرت مهدی علیه السلام که در سرداب بود شنیدند، لشکر در پشت در سرداب اجتماع نمودند تا امام علیه السلام صعود نکند و بیرون نرود. فرماندهی لشکر در پیشاپیش لشکر ایستاده بود تا همه‌ی افراد لشکر برسند. ناگاه حضرت مهدی علیه السلام از راهی که به در سرداب منتهی می‌شد، آمد و از پیش روی لشکر عبور کرد و رفت و غایب شد.

در این هنگام فرماندهی لشکر، خطاب به سپاه گفت: «وارد سرداب شوید و مهدی را دستگیر کنید.»

سپاهیان گفتند: مگر ندیدی که مهدی علیه السلام از روی تو عبور کرد. فرمانده گفت: من او را ندیدم، شما که دیدید چرا به او حمله

نکردید؟

سپاهیان گفتند: ما گمان کردیم که تو او را دیدی، چون فرمانی ندادی ما نیز، حرکتی از خود نشان ندادیم.^۱

به این ترتیب حضرت مهدی علیه السلام با قدرت اعجاز، از گزند سپاه خون خوار معتضد نجات یافت و غایب گردید. این سرداب مبارک، از آن زمان تا کنون - در کنار مرقد مطهر امام هادی علیه السلام و امام حسن علیه السلام عسکری علیه السلام باقی مانده است و شیعیان کنار سرداب می‌روند و به خاطر آن که در آن سرداب، سه امام (امام هادی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و امام مهدی علیه السلام) مدتی زندگی نموده‌اند، تبرک می‌جویند، زیرا آن سرداب خانه‌ای است که خداوند آن را شایسته احترام و اکرام نموده است.

ارتباط با ناحیه مقدسه امام زمان (عج)

در عصر هفتاد ساله ی غیبت صغری، حوادث بسیار رخ داد، نامه‌ها و پیام‌های فراوانی از حضرت مهدی علیه السلام به شیعیان و از شیعیان به آن حضرت، توسط نایبان چهارگانه و... ردّ و بدل شد. در این عصر مرکز سکونت حضرت مهدی علیه السلام به عنوان «ناحیه مقدسه» نامیده می‌شد، ولی برای اکثر شیعیان معلوم نبود که ناحیه مقدسه کجا است و ارتباط با آن حضرت چگونه صورت می‌گیرد. برای روشن شدن این مطلب، نظر شما را به چند نمونه از حوادث ناحیه مقدسه که تا حدودی چگونگی ارتباط شیعیان را با آن ناحیه مشخص می‌کند و

۱. بحار، ج ۵۲، ص ۵۲ و ۵۳ سیره چهارده معصوم، ص ۹۸۹.

بیانگر توجه و عنایات مخصوص حضرت مهدی علیه السلام در آن عصر، به شیعیان است، جلب می‌کنم.

کودک تبرزین به دست

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، یکی از دژخیمان جلاد معتمد عباسی (چهاردهمین خلیفه‌ی عباسی) به نام «سیماء» مأمور بازرسی خانه‌ی آن حضرت گردید.

علی بن قیس می‌گوید: یکی از نگهبانان عراق نقل کرد: در همین تازگی «سیماء» را در سامرا دیدم که در خانه‌ی امام حسن علیه السلام را شکست و وارد خانه شد. کودک از آن خانه بیرون آمد که در دستش تبرزین بود و از ورود سیماء جلوگیری کرده و به او فرمود: «در خانه‌ی من چه می‌کنی؟»

سیماء گفت: «جعفر (کذاب) معتقد است که پدر شما از دنیا رفته و فرزندی ندارد. اگر اینجا خانه‌ی شما است، من باز می‌گردم.» سیماء (که در برابر هیت مهدی علیه السلام وحشت زده بود) از خانه دور گردید.

علی بن قیس می‌گوید: به در خانه‌ی امام حسن علیه السلام رفتم و از یکی از خدمتکاران خانه پرسیدم: «این آقا زاده‌ی تبرزین به دست چه کسی بود؟»

خدمتکار: «چه کسی خبر کودک تبرزین به دست را به تو خبر داد؟»

علی بن قیس: «یکی از پاسبان‌های عراق به من خبر داد.»
خدمتکار: «به راستی چیزی از مردم پنهان نمی‌ماند.»^۱

ملاقات حسن بن نصر با امام زمان (عج)

حسن بن نصر و ابو صدام و جماعتی بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام دربارہ ی و کلای آن حضرت و چگونگی مصرف وجوهی که در نزد آن‌ها بود، گفت و گومی کردند.

حسن بن نصر عازم حج بود وصیت خود را به «احمد بن یعلی» نمود و نیز مقداری پول به او داده و وصیت کرد که به ناحیه ی مقدسه فرستاده شود و به احمد گفت که آن پول را به هیچ کس جز به شخص صاحب الزمان علیه السلام، پس از آن که او را کاملاً شناخت، ندهد.

حسن بن نصر در سفر به مکه، به بغداد رفت. در آن جا خانه‌ای اجاره کرد و سکونت گزید. یکی از وکلای امام حسن عسکری علیه السلام نزد او آمد و مقداری لباس و پول نزد او گذاشت تا به ناحیه ی مقدسه برسد.

سپس وکیل دیگری آمد و او نیز مقداری پول و لباس در نزد حسن بن نصر گذاشت. سپس احمد بن اسحاق (وکیل امام حسن علیه السلام در قم) به آن خانه آمد و هر چه نزدش بود به آن جا آورد.

حسن بن نصر می‌گوید: اجناس و پول زیاد در اطاق جمع شد. من

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۱ و ۳۳۲. (به نقل از سیره ی چهارده معصوم، ص ۹۹۱).

در فکر بودم که آن‌ها را چه کنم؟ ناگاه از تاحیه‌ی مقدّسه‌ی امام زمان علیه السلام نامه‌ای به من رسید که: «در فلان ساعت آن چه نزدت است، بیاور.» من هر آن چه بود، برداشته و رهسپار سامراء شدم. در مسیر راه، دزدی راهزن که شصت نفر همراهش بود دیدم، ولی خداوند مرا از گزند او حفظ کرد تا به سامراء رسیدم. در آن جا نامه‌ای به من رسید که آن چه داری بیاور. من همه‌ی آن چه را داشتم در میان سیدی نهادم و به خانه‌ی امام علیه السلام رفتم. در راهرو خانه، غلام سیاه پوستی را دیدم ایستاده و به من گفت: «حسن بن نصر تو هستی؟» گفتم: آری. گفت: وارد شو.

وارد خانه شدم. به اطّاقی رفتم و سبد را در گوشه‌ی آن اطّاق، خالی کردم... ناگاه دیدم در پشت پرده‌ای که در آن جا آویخته بود، شخصی مرا صدا زد و گفت «ای حسن بن نصر، برای منّتی که خدا بر تو نهاد (که امام خود را شناختی و حقّش را به او رساندی) شکر کن.

و شك و تردید به خود راه نده. چرا که شیطان دوست دارد که تو شك کنی.» آن گاه حضرت دو لباس به من داد و فرمود: «این‌ها را بگیر و با خود داشته باش که به آن‌ها نیاز پیدا می‌کنی.»

حسن بن نصر آن‌ها را گرفت و به وطن خود بازگشت و در ماه رمضان همان سال از دنیا رفت و با همان دو لباس، او را دفن کردند.^۱

نامه‌ی امام عصر (عج) به ابن مهزیار

محمد بن ابراهیم بن مهزیار (که پسر وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در اهواز بود) می‌گوید: بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام، درباره‌ی جانشین آن حضرت به شکّ افتادم و نزد پدرم (ابراهیم) مال زیاد از سهم امام جمع شده بود، پدرم آن اموال را برداشته و سوار کشتی شد، (تا آن‌ها را به سامرا نزد امام علیه السلام ببرد). من نیز برای بدرقه‌ی پدرم به دنبال او رفتم. سوار کشتی شد. ولی در کشتی تب سختی کرد و گفت: «پسر مرا برگردان که این بیماری نشانه‌ی مرگ است و نسبت به این اموال از خدا بترس.» (و آن را از دستبرد ورثه و دیگران حفظ کن و به صاحبش برسان.) وصیتش را کرد و بعد از سه روز از دنیا رفت. من با خودم گفتم پدرم وصیت بی‌موردی نکرده است. من این اموال را به بغداد می‌برم و خانه‌ای در آن جا اجاره می‌کنم و این اموال را در آن جا نگه می‌دارم تا امام حق بر من ثابت گردد. آن گاه آن اموال را به او می‌سپرم.

به بغداد رفتم و اموال را در خانه‌ای اجاره‌ای کنار شطّ جای دادم. پس از چند روز از آستان قدس امام زمان علیه السلام نامه‌ای برای من آمد که تمام مشخصات آن اموال و حتّی قسمتی از آن را که خودم نمی‌دانستم، در آن نامه نوشته شده بود. من اطمینان یافتم و همه‌ی اموال را به آن نامه رسان سپردم. پس از چند روز نامه‌ی دیگری آمد که ما تو را به جای پدرت نصب کردیم. خدا را شکر و سپاسگذاری کن.^۱

دستور نگرفتن سهم امام، به خاطر حفظ جان نمایندگان ■ ۱۰۷

دستور نگرفتن سهم امام، به خاطر حفظ جان نمایندگان

به عیید الله بن سلیمان، وزیر طاغوت وقت، خبر دادند که حضرت مهدی علیه السلام دارای چند وکیل است که سهم امام را به نمایندگی از آن حضرت، از شیعیان می گیرند.

وزیر تصمیم گرفت تا وکیل ها را دستگیر کند. ماجرا را به خلیفه در میان گذاشت. خلیفه گفت: «به جست و جوی خود آن مرد (حضرت مهدی علیه السلام) پردازید و ببینید در کجاست؟»

سلیمان (پدر وزیر) گفت: «به نظر من افراد جاسوسی را می گماریم، که (به عنوان شیعه) مبلغی پول به عنوان سهم امام علیه السلام نزد وکیل های ناحیه ی مقدسه ببرد. وقتی که پول را به وکیل دادند، و آن وکیل قبول کرد، بی درنگ او را دستگیر می کنیم.»

بنا شد همین تصمیم اجرا گردد. از ناحیه ی مقدسه، نامه ای به وکلا رسید که از هیچ کس پول قبول نکنید و از گرفتن سهم امام علیه السلام خودداری کنید.

جاسوس ها پراکنده شدند. یکی از آن ها نزد «محمد ابن احمد» (یکی از وکلای امام علیه السلام) آمد و در خلوت به او گفت: «مالی بابت سهم امام علیه السلام همراه دارم و می خواهم به شما بدهم.» محمد گفت: اشتباه کردی و من از این موضوع بی اطلاع هستم. آن جاسوس همواره با مهربانی و نیرنگ های خود می خواست پول را به او بدهد، ولی محمد بن احمد، خود را به نا آگاهی می زد. به این ترتیب جاسوس ها به کشف راز، دست نیافتند.^۱

راز پذیرفته نشدن سهم امام

عصر غیبت صغری بود، مردی از اهالی عراق، سهم امام خود را به ناحیه‌ی مقدسه‌ی امام علیه السلام فرستاد، سهم امام او قبول نشد و رد گردید. به او گفته شد که چون حق پسر عموهایت که چهارصد درهم است، در میان این مال است، باید حق آن‌ها داده شود.

بعد معلوم شد که آن مرد در ملکی با پسر عموهایش شریک بوده و حق آن‌ها را نداده است. چون حساب کرد، دریافت که حق پسر عموهایش همان چهارصد درهم است. این مقدار را از مال بیرون کرده و به صاحبانش رساند و سپس باقی را به ناحیه‌ی مقدسه فرستاد. آن گاه سهم امام او پذیرفته گردید.^۱

استجابت دعا و لطف امام زمان (عج) در حق بیمار

محمد بن یوسف می‌گوید: در پشتم دُمَل و زخم سختی پدید آمد. به پزشکان متعدّد مراجعه کردم و به دستور آن‌ها عمل نمودم ولی نتیجه نگرفتم. سرانجام به اتفاق گفتند: «ما در مورد این درد، دواپی نیافته‌ایم.»

نامه‌ای برای ناحیه‌ی مقدسه امام علیه السلام نوشتم و از آقا در خواست دعا نمودم، جواب نامه آمد و در آن نوشته بود: «خداوند لباس عافیت به تو بپوشاند و تو را در دنیا و آخرت با ما قرار دهد.»

یک هفته نگذشت که به طور کلی آن زخم بر طرف شد و جای

آن مثل کف دستم، صاف گردید. محلّ زخم را به یکی از پزشکان آشنا نشان دادم، او گفت: «ما برای این نوع زخم و درد، دارویی نمی شناسیم.» (بنابراین زخم تو با دارو خوب نشده است. بلکه دست اعجازی در کار بوده است).^۱

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ مَخْرَجَهُ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

انتظار فرج

قال امير المؤمنين عليه السلام: (انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ)؛

انتظار فرج را بکشید و از رحمت خدا نا امید نباشید، پس همانا بهترین اعمال برای خداوند جلیل، انتظار فرج است.^۲

انتظار در لغت چشم به راه بودن، و فرَج یعنی گشایش و آسودگی از اندوه و در اصطلاح احادیث شیعه، انتظار کشیدن ظهور دولت حق بقیة الله العظمی، حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام می باشد. آنچه از منابع اسلامی استفاده می شود، انتظار یعنی: چشم به راه بنیانگذار حکومت عدل الهی که پرچم اسلام را در شرق و غرب بلکه در هر جای جای جهان به اهتزاز خواهد آورد و به دوران کفر جهانی و اختلاف ادیان پایان خواهد بخشید و بساط طرفداران مذهب های

۱. همان.

۲. بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۲۳.

دروغین را جمع خواهد کرد و صدای توحید و نبوت را در سراسر عالم، صبح و شام بلند خواهد نمود.

عبایه بن ربیع می گوید: از امیر المؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ قَرْيَةٌ إِلَّا تُؤَدِّي فِيهَا بِشَهَادَةٍ: أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بَكْرَةً وَعَشِيًّا»^۲

سوگند به خدایی که جان علی بن ابی طالب در دست اوست! شهری و روستایی بر روی زمین نخواهد ماند تا این که شهادت «أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» صبح و شام از آنجا بلند خواهد شد.

انتظار یعنی خود سازی

انتظار یعنی مهیا بودن از همه لحاظ، جهت استقبال کردن از حکومت الهی و اصلاح تمام بشر در روی زمین و پایان دادن به ظلم، فساد و کارهای ناپاک.

منتظر واقعی چنین حکومتی، باید از صف مخالفان، مفسدان، کج

۱. توبه ۳۳.

۲. تأویل الآیات، ص ۶۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰.

فکران، حاسدان، ناپاکان، تبه‌کاران و به طور کلی از هر گونه نفاق و پراکندگی خارج شود و با اعمال پاک، صحیح و روحی پاک رتبه‌ی انتظار خود ادامه دهد.

کسی که از هیچ کار زشتی باکی ندارد و از قمار، شراب، ربا، تجاوز به مال و ناموس مردم و ده‌ها کارهای نامشروع دیگر توبه نکرده است و روح‌اش را تسویه ننموده و از لوث آلودگی‌ها بیرون نیامده است، چطور می‌تواند در انتظار نظامی باشد که نه تنها افراد فاسق، فاجر و ناپاک در آن نقشی ندارند، بلکه منفور و متروک خواهند بود. جایگاه رفیعی که برای منتظران در روایات ذکر شده، از آن منتظران واقعی است.

جایگاه رفیع منتظران واقعی

در این رابطه به چند روایت اشاره می‌کنیم:

۱ - حضرت امیرالمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَلِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ انتظار فرج را بکشید و از رحمت خدا ناامید نباشید، پس همانا بهترین اعمال برای خداوند جلیل، انتظار فرج است.^۱

۲ - خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ بالاترین

اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه‌ی خدا کشیدن است.^۱

۳ - ختمی مرتبت پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ، إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ بهترین عبادت، انتظار فرج است.^۲

۴ - شخصی از امام صادق ﷺ پرسید: چه می‌گویید درباره‌ی کسی

که دارای ولایت امامان ﷺ است و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟

حضرت ﷺ در پاسخ فرمود:

«هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ، ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ»؛^۳ او همانند کسی است که با قائم ﷺ در خمیه‌ی او بوده باشد، سپس کمی سکوت کرد و فرمود: مانند کسی است که با پیامبر اسلام ﷺ همراه بوده است.

حضرت علی ابن ابیطالب ﷺ می‌فرماید:

«الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ کسی که انتظار فرج ما را بکشد، به منزله‌ی کسی است که در راه خدا به خون خویش غلطیده است.^۴

«كَمَنْ قَارَعَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفِهِ، بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲. آمال الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۲.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۴. آمال الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۲.

پاداش کسی که در حال انتظار بمیرد؟ ■ ۱۱۳

الله!؛ همانند کسی است که در خدمت پیامبر ﷺ با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد. همانند کسی است که با پیامبر ﷺ شهید شده است.

۶- امام سجاده ﷺ فرمود:

«الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ»؛ منتظران ظهور امام مهدی ﷺ برترین اهل هر زمانند.^۱

پاداش کسی که در حال انتظار بمیرد؟

مسعده می گوید: در حضور امام صادق ﷺ نشسته بودم که ناگهان پیر مردی با قد خمیده که به عصا هم تکیه کرده بود، وارد شد و سلام کرد. حضرت نیز جواب سلامش را داد. سپس عرض کرد: یابن رسول الله! دستت را بده ببوسم.

حضرت دست خود را به پیر مرد داد، او هم دست امام ﷺ را بوسید و گریه کرد.

حضرت فرمود: ای پیر مرد! چرا می گویی؟

گفت: ای پسر پیامبر صد سال است که در انتظار قائم شما می باشم و مدام می گویم: این ماه ظهور می کند و این سال قیام می نماید. اکنون سنم بالا رفته و استخوان هایم سست و زمان مرگم نزدیک شده است، می ترسم بمیرم و چشمم به دولت شما روشن نشود. جمعی از شما را کشته و جمعی را آواره می بینم و دشمنان شما را می بینم که بر بال

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

قدرت پرواز می کنند. چرا گریه نکنم؟!

مسعده می گوید: دیدم اشک از دیدگان امام سرازیر شد و فرمود: ای پیرمرد! اگر خداوند آن قدر به تو عمر دهد که قائم ما را درک کنی، با ما خواهی بود. در مقام ما و اگر پیش از آن مرگت فرا رسد، روز قیامت با امانت محمد ﷺ وارد صحنه محشر می شوی و ماییم امانت محمد ﷺ که آن حضرت فرمود: من دو امر مهم در میان شما می گزارم و می روم اگر به این دو پیوندید هرگز گمراه نشوید، و آن دو کتاب خدا و عترت و خاندان من هستند.

پیرمرد عرض کرد: اکنون که این خبر را از شما شنیدم، دیگر باکی ندارم...^۱

مقام حضرت مهدی (عج) از دیدگاه امام حسین علیه السلام

از امام حسین ﷺ سوال شد:

«هَلْ وُلِدَ الْمَهْدِيُّ؟» قَالَ: «لَا، وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛

آیا مهدی ﷺ متولد شده؟ حضرت فرمود: نه، اگر او را من درک می نمودم، در طول عمرم به او خدمت می کردم.^۲

مژده بر خادمان حضرت مهدی (عج) که انسانی چون امام

حسین ﷺ چنین فرمایشی می فرماید.

۱. آمال الواعظین، ج ۲، ص ۴۰۳.

۲. آمال الواعظین، ج ۲.

تشرّف حاج علی بغدادی به محضر امام عصر (عج)

از چیزهایی که مناسب است در اینجا نقل شود حکایت سعید صالح صفی متقی حاجی علی بغدادی است که در جنّة المأوی و نجم الثاقب نقل کرده و در نجم ثاقب فرموده که اگر نبود در این کتاب شریف مگر این حکایت واقعی و صحیح که در آن فواید بسیار است و در این نزدیکیها واقع شده هر آینه کافی بود در شرافت آن، پس بعد از مقدماتی فرموده که حاجی مذکور ایدة الله نقل کرد که در ذمه من هشتاد تومان مال امام علیه السلام جمع شد. رفتم به نجف اشرف بیست تومان از آن را دادم به جناب علم الهدی و التقی شیخ مرتضی علیهما السلام و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسین مجتهد کاظمینی و بیست تومان به جناب شیخ محمد حسن شروقی و باقی ماند در ذمه من فقط بیست تومان که قصد داشتم در مراجعت بدهم به جناب شیخ محمد حسن کاظمینی آل یس ایدة الله. زمانیکه مراجعت کردم به بغداد خوش داشتم که تعجیل کنم در ادای آنچه باقی بود در ذمه ام. در روز پنجشنبه بود مشرف شدم به زیارت امامین همامین کاظمین علیهما السلام و بعد از آن رفتم خدمت جناب شیخ سلّمه الله و قدری از آن بیست تومان را دادم و باقی را وعده کردم بعد از فروش بعضی از اجناس بتدریج بر من حواله کنند که به اهلش برسانم و تصمیم گرفتم برای مراجعت در عصر آن روز به بغداد و جناب شیخ خواهش کرد بمانم عذر خواستم و گفتم: باید مزد کارگرهای کارخانه پارچه باقی را که دارم بدهم. چون رسم بود که مزد هفته را در عصر پنجشنبه می دادم و برگشتم.

چون ثلث از راه را تقریباً طی کردم سید جلیلی را دیدم که از طرف بغداد رو به من می‌آید چون نزدیک شد سلام کرد و دستهای خود را گشود برای مصافحه و معانقه^۱ و فرمود: اهلاً و سهلاً و مرا در بغل گرفت و معانقه کردیم و هر دو یکدیگر را بوسیدیم.

بر سر عمامه سبز روشنی داشت و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود پس ایستاد و فرمود: حاجی علی خیر است به کجا می‌روی؟
گفتم: کاظمین علیه السلام را زیارت کردم و برمی‌گردم به بغداد
فرمود: امشب شب جمعه است برگرد.

گفتم: یا سیدی برایم مقدور نیست.
فرمود: برایت مقدور هست برگرد تا شهادت دهم برای تو که از شیعیان جدّم امیرالمؤمنین علیه السلام و از موالیان مائی و شیخ نیز شهادت دهد زیرا که خدایتعالی امر فرموده دو شاهد بگیرید.

و این اشاره بود به مطلبی که در نظر داشتم یعنی از جناب شیخ خواهش کنم نوشته‌ای به من دهد که از موالیان اهلیت علیه السلام هستم و آنرا در کفن خود بگذارم. گفتم: تو چه می‌دانی و چگونه شهادت می‌دهی؟

فرمود: کسی که حقّ او را به او می‌رسانند چگونه آن رساننده را نمی‌شناسد.

گفتم: چه حقّ؟

فرمود: آنچه رساندی به وکیل من.

۱. مصافحه یعنی: دست دادن و معانقه یعنی: صورت را کنار صورت هم قرار دادن.

گفتم: وکیل تو کیست؟

فرمود: شیخ محمد حسن.

گفتم: وکیل تو است؟

فرمود: وکیل من است.

و به جناب آقا سید محمد گفته بود که در خاطر من خطور کرد که این سید جلیل مرا به اسم خواند با آنکه او را نمی‌شناسم پس به خود گفتم شاید او مرا می‌شناسد و من او را فراموش کردم باز در نفس خود گفتم: این سید از حقّ سادات از من چیزی می‌خواهد و خوش دارم که از مال امام علیه السلام چیزی به او برسانم پس گفتم: ای سید در نزد من از حقّ شما چیزی مانده بود رجوع کردم در امر آن به جناب شیخ محمد حسن برای آنکه ادا کنم حقّ شما یعنی سادات را به اذن او. در روی من تبسمی کرد و فرمود: آری رساندی بعضی از حقّ ما را بسوی وکلای ما در نجف اشرف. گفتم: آنچه ادا کردم قبول شد؟ فرمود: آری.

در خاطر من گذشت که این سید می‌گوید بالنسبة به علماء اعلام: وکلای ما و این در نظر بزرگ آمد و گفتم علماء وکلایند در قبض حقوق سادات و مرا غفلت گرفت. آنگاه فرمود: برگرد جدّم را زیارت کن.

منهم برگشتم و دست راست او در دست چپ من بود چون به راه افتادیم دیدم در طرف راست ما نهر آب سفید صاف جاریست و درختان لیمو، نارنج، انار، انگور و غیر آن، همه با ثمر در یک وقت با

آنکه موسم آنها نبود بر بالای سر ما سایه انداخته گفتم: این نهرو این درختها چیست؟

فرمود: هر کس از موالیان ما که زیارت کند جدا ما را و زیارت کند ما را اینها با اوست.

گفتم: می خواهم سوالی کنم.

فرمود: سوال کن.

گفتم: مرحوم شیخ عبدالرزاق مردی بود مدرس، روزی نزد او رفتم شنیدم که می گفت: کسی که در طول عمر خود روزها روزه باشد و شبها به عبادت بسربرد و چهل حج و چهل عمره بجای آرد و در میان صفا و مروه بمیرد و از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام نباشد برای او چیزی نیست.

فرمود: آری والله برای او چیزی نیست.

از حال یکی از خویشان خود پرسیدم که او از موالیان امیرالمؤمنین علیه السلام است؟

فرمود: آری او و هر که متعلق است به تو.

گفتم: سیدنا برای من مسئله ای است.

فرمود: پرس.

گفتم: قُراء تعزیه امام حسین علیه السلام می خوانند که سلیمان اعمش آمد نزد شخصی و از زیارت سیدالشهداء علیه السلام پرسید گفت: بدعت است پس در خواب دید هودجی را میان زمین و آسمان. سوال کرد که کیست در آن هودج؟ به او گفتند: فاطمه ی زهرا و خدیجه کبری علیهما السلام گفت: به

تشرّف حاج علی بغدادی به محضر امام عصر (عج) ■ ۱۱۹

کجا می روند؟ گفتند: به زیارت امام حسین علیه السلام در امشب که شب جمعه است و دید رقعه‌هایی را که از هودج می‌ریزد و در آن مکتوبست «أَمَانٌ مِنَ النَّارِ لِزُوَارِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» این حدیث صحیح است؟

فرمود: آری راست و تمام است.

گفتم: سیدنا صحیح است که می‌گویند هر کس زیارت کند حسین علیه السلام را در شب جمعه پس برای او امان است؟

فرمود: آری والله و اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست.

گفتم: سیدنا مسئله.

فرمود: بپرس.

گفتم: سینه هزار و دویست و شصت و نه حضرت رضا علیه السلام را زیارت کردم و در درّود یکی از عربهای شُورقیه را که از بادیه‌نشینان طرف شرقی نجف اشرفند ملاقات کردیم و او را ضیافت کردیم و از او پرسیدیم که چگونه است ولایت رضا علیه السلام؟ گفت: بهشت است، امروز پانزده روز است که من از مال مولای خود حضرت رضا علیه السلام خورده‌ام چه حق دارد منکر و نکیر که در قبر نزد من بیایند، گوشت و خون من از طعام مهمانخانه آن حضرت روئیده. این صحیح است علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌آید و او را از منکر و نکیر خلاص می‌کند؟

فرمود: آری والله جدّ من ضامن است.

گفتم: سیدنا مسئله‌ی کوچکی است می‌خواهم بپرسم. فرمود:

پرس.

گفتم: زیارت حضرت رضای من مقبولست؟ فرمود: قبولست انشاء الله.

گفتم: سیدنا مسئله.

فرمود: بسم الله.

گفتم: حاجی محمد حسین بزآزباشی پسر مرحوم حاجی احمد بزآزباشی زیارتش قبولست یا نه؟ و او با من رفیق و شریک در مخارج بود در راه مشهد الرضا علیه السلام فرمود: عبد صالح زیارتش قبولست.

گفتم: سیدنا مسئله.

فرمود: بسم الله.

گفتم: فلان کس از اهل بغداد همسفر ما بود زیارتش قبولست؟ پس ساکت شد.

گفتم: سیدنا مسئله.

فرمود: بسم الله.

گفتم: این کلمه را شنیدی یا نه؟ زیارت او قبولست یا نه؟

جوابی نداد. حاجی مذکور نقل کرد که ایشان چند نفر بودند از اهل مترفین بغداد که در این سفر پیوسته به لهو و لعب مشغول بودند و آن شخص مادر خود را نیز کشته بود پس رسیدیم در راه به موضعی از جاده وسیعه که دو طرف آن بساتین بلده شریفه کاظمین است و موضعی از آن جاده که متصل است به باغها، از طرف راست آن که از بغداد می آید و آن مال بعضی از ایتم سادات بود و حکومت آن را

تشرّف حاج علی بغدادی به محضر امام عصر (عج) ■ ۱۲۱

بزور داخل در جاده کرد و اهل تقوی و ورع از ساکنین این دو شهر همیشه کناره می گرفتند از راه رفتن در آن قطعه از زمین پس دیدم آن جناب را که در آن قطعه راه می رود گفتم: ای سید من این موضع مال بعضی از ایتام سادات است تصرف در آن روا نیست!

فرمود: این موضع مال جدّ ما امیرالمؤمنین علیه السلام و ذریه او و اولاد ما است و حلال است برای موالیان ما تصرف در آن.

و در نزدیکی آنجا در طرف راست باغی است مال شخصی که او را حاجی میرزا هادی می گفتند و از متمولین معروفین عجم بود که در بغداد ساکن بود، گفتم: سیدنا راست است که می گویند: زمین باغ حاجی میرزا هادی مال حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است؟ فرمود: چه کار داری به این؟

و از جواب اعراض نمود. رسیدیم به ساقیه آب که برای مزارع و بساتین آن حدود از شطّ دجله می کشند و از جاده می گذرد و آنجا دو راه می شود به سمت بلد، یکی راه سلطانی است و دیگری راه سادات و آن جناب میل کرد به راه سادات.

گفتم: بیا از این راه یعنی راه سلطانی برویم.

فرمود: نه از این راه خود می رویم.

پس آمدیم و چند قدمی نرفتیم که خود را در صحن مقدّس در نزد کفشداری دیدیم و هیچ کوچه و بازاری را ندیدیم پس داخل ایوان شدیم از طرف باب المراد که از سمت شرقی و طرف پایین پا است و در درّ رواق مطهر مکث فرمود و اذن دخول نخواند و داخل شد و در

در حرم ایستاد و فرمود: زیارت بکن.

گفتم: من قاری نیستم.

فرمود: برای تو بخوانم؟

گفتم: آری.

پس فرمود: «أَدْخُلْ يَا اللَّهُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» و همچنین سلام کردند بر هر یک از ائمه علیهم السلام تا رسیدند در سلام به حضرت عسکری علیه السلام و فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ» آنگاه فرمود: امام زمان خود را می شناسی؟ گفتم: چرا نمی شناسم؟

فرمود: سلام کن بر امام زمان خود.

گفتم: «يَا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنِي الْحَسَنِ» تبسم نمود

و فرمود: «عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

پس داخل شدیم در حرم مطهر و ضریح مقدس را چسبیدیم و

بوسیدیم.

پس فرمود: زیارت کن.

گفتم: من قاری نیستم.

فرمود: زیارت بخوانم برای تو؟

گفتم: آری.

فرمود: کدام زیارت را می خواهی؟

گفتم: هر زیارت که افضل است مرا به آن زیارت ده.

فرمود: زیارت امین الله افضل است.

تشرّف حاج علی بغدادی به محضر امام عصر (عج) ■ ۱۲۳

آنگاه مشغول شد بخواندن و فرمود: «السَّلَامُ عَلَیْکُمْ يَا أَمِیْنِی اللهُ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتِهِ عَلَی عِبَادِهِ» الخ و چراغهای حرم را در این حال روشن کردند پس شمعهها را دیدم روشن است لیکن حرم روشن و منور است به نوری دیگر مانند نور آفتاب و شمعهها مانند چراغی بودند که روز در آفتاب روشن کنند و مرا چنین غفلت گرفته بود که هیچ ملتفت این آیات نمی شدم چون از زیارت فارغ شد از سمت پایین پا آمدند به پشت سر و در طرف شرقی ایستادند و فرمودند: آیا زیارت می کنی جَدِّمِ حَسینِ علیه السلام را؟
گفتم: آری زیارت می کنم شب جمعه است. زیارت وارث را خواندند و مؤذّن‌ها از اذان مغرب فارغ شدند.

به من فرمود: نماز بخوان و به جماعت ملحق شو.

پس تشریف آورد در مسجد پشت سر حرم مطهر و جماعت در آنجا منعقد بود و خود به انفراد ایستادند در طرف راست امام جماعت محاذی او و من داخل شدم در صف اوّل و برایم مکانی پیدا شد تا فارغ شدم او را ندیدم. از مسجد بیرون آمدم و در حرم تفحص کردم او را ندیدم و قصد داشتم او را ملاقات کنم و چند قرانی به او بدهم و شب او را نگاه دارم که مهمان باشد آنگاه بخاطرم آمد که آن سید که بود؟

آیات و معجزات گذشته را ملتفت شدم، از اطاعت امر او در مراجعت با آن کار مهمّ که در بغداد داشتم و خواندن مرا به اسم با آنکه او را ندیده بودم و گفتن او شیعیان ما و اینکه من شهادت می دهم و دیدن نهر جاری و درختان میوه‌دار در غیر موسم و غیر از اینها از آنچه گذشت که سبب شد یقین کنم به اینکه او حضرت مهدی علیه السلام است. مخصوصاً در

مورد اذن دخول و پرسیدن از من بعد از سلام بر حضرت عسکری علیه السلام که امام زمان خود را می شناسی؟ چون گفتم می شناسم. فرمود: سلام کن.

چون سلام کردم تبسم کرد و جواب داد.

آمدم در نزد کفشدار و از حال جنابش سؤال کردم گفت: بیرون رفت و پرسید که این سید رفیق تو بود؟ گفتم: بلی پس آمدم به خانه مهماندار خود و شب را بسر بردم چون صبح شد رفتم به نزد جناب شیخ محمد حسن و آنچه دیده بودم نقل کردم پس دست خود را بر دهان خود گذاشت و نهی نمود از اظهار این قصه و افشاء این سر و فرمود: خداوند تو را موفق کند.

آن را مخفی می داشتم و به احدی اظهار نمودم تا آنکه یک ماه از این قضیه گذشت.

روزی در حرم مطهر بودم سید جلیلی را دیدم که آمد نزدیک من و پرسید که چه دیدی؟ و اشاره کرد به قصه آن روز. گفتم: چیزی ندیدم. دوباره پرسید. بشدت انکار کردم پس از نظرم ناپدید شد دیگر او را ندیدم.^۱

حضرت از تمام اعمال و حرکات ما آگاه است.

ایشان در یکی از نامه هایش به شیخ مفید می فرماید: «فَأَنَا نُحِيطُ عَلِمًا بِأَتْبَائِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ».

۱. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی ره.

اکنون بینیم ثمره شناخت حضرت چیست؟ ■ ۱۲۵

ما بر اوضاع و اخبار شما به خوبی آگاهیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست.

در همان نامه آورده است:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَأْسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ»^۱

ما از سرپرستی و رسیدگی به کارهای شما کوتاهی نوزیده و یاد شما را از صفحه‌ی خاطر خویش فراموش نمی‌کنیم که اگر جز این بود، امواج سختی‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان کینه‌توز شما را ریشه‌کن می‌ساختند.

حضرت مهدی علیه السلام می‌فرمایند:

«أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ قَرَجُكُمْ»^۲

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید، که فرج من، فرج شما نیز هست.

اکنون بینیم ثمره شناخت حضرت چیست؟

ثمرات، آثار و فواید شناخت حضرت مهدی امام زمان علیه السلام از دیدگاه روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام رسیده، بسیار است. به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

۲. کمال الدین، ص ۴۸۵.

ثمره اول: یکی از ثمرات امام شناسی، تشخیص حق از باطل است. در شناسایی حق از باطل باید ملاکی باشد، در غیر این صورت خواهیم دید که در جهان همه مردم خیال می کنند که حق اند و حق را به تمام کمال از باطل تشخیص داده اند و به عقیده خودشان با باطل مبارزه می کنند.

اما هنگامی که دقیقتر و عمیق تر به آنها نگاه می کنیم، می بینیم که اکثر آنان راه را بیراهه رفته و درست در مقابل حق ایستاده و با آن مبارزه میکنند. چون که ملاک تشخیص را عقل ناقص خود می دانند، در حالی که چنین نیست.

یعنی باید بدانیم که ملاک شناسایی « پیامبران و کتب آسمانی و ائمه اطهار علیهم السلام است که به ما نشان میدهند حق کدام است و باطل است.

ابو الادیان و راهنمایی امام حسن عسکری علیه السلام

ابو الادیان می گوید: من از خدمتگزاران امام حسن عسکری علیه السلام بودم و نامه های حضرت را به اطراف و شهرها می بردم تا اینکه حضرت بیمار و بستری شد به همان بیماری که رحلت کرد، به حضورش رسیدم، نامه هایی که برای مردم مداین نوشته بود به من داد و فرمود: این ها را به مداین ببر و تو پس از پانزده روز مسافرت وقتی که به شهر سامرا باز گشتی از خانه من، صدای گریه و عزاداری می شنوی و جنازه من را روی تخته غسل می بینی.

ابو الادیان می گوید: گفتم: ای آقای من! اگر چنین پیش آید به چه

کسی مراجعه کنم؟

فرمود: به کسی رجوع کن که ۱. پاسخ نامه های مرا از تو مطالبه کند که او قائم بعد از من است.

گفتم: نشانه بیشتر بفرماید.

فرمود: ۲. کسی که بر جنازه من نماز می خواند. گفتم: باز نشانه بیشتر بفرماید.

فرمود: ۳. آن کس که از محتوا و اشیای داخل میان خبر دهد، او قائم بعد از من است.

سپس شکوه امام، مانع شد که سوال بیشتر کنم. به سوی مداین رفتم و نامه ها را به صاحبانش دادم، و پاسخ آنها را گرفتم و پس از پانزده روز به سامرا باز گشتم. ناگاه همان گونه که امام فرموده بود، صدای گریه و عزا را از خانه امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم به خانه حضرت آمدم ناگاه دیدم که جعفر کذاب (برادر آن حضرت) در کنار خانه ایستاده و شیعیان اطراف او را گرفته اند و به او تسلیت می گویند، و به عنوان امام بعد از امام حسن عسکری علیه السلام تبریک می گویند.

با خود گفتم: اگر این شخص امام باشد، مقام امامت تباه خواهد شد، زیرا من جعفر را می شناختم که شراب می خورد و قمار بازی می کرد و با ساز و آواز سر و کار داشت. نزد او رفتم و تسلیت و تهنیت گفتم و او از من هیچ سوالی نکرد.

سپس عقید (غلام امام حسن عسکری) آمد و به جعفر گفت: ای آقای من! جنازه برادرت کفن شد، برای نماز بیا، جعفر و شیعیانی که

اطراف او گرد آمده بودند، وارد خانه شدند. من نیز همراه آنها بودم و در برابر جنازه کفن شده امام حسن عسکری علیه السلام قرار گرفتم. جعفر پیش آمد تا نماز بخواند، همین که آماده تکبیر شد، کودکی که صورت گندمگون و موی سرش به هم پیچیده و بین دندان‌هایش گشاده بود، پیش آمد و ردای جعفر را گرفت، کشید و فرمود: «تَأْخِرِيَا عَمَّ! فَإِنَّا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَبِي»؛ ای عمو! به عقب برگرد، من سزاوارتر به نماز بر جنازه پدرم هستم.

جعفر عقب باز گشت، در حالی که چهره اش تغییر کرده و غبار گونه شده بود.

کودک جلو آمد و نماز خواند، و سپس آن حضرت را در کنار قبر پدرش امام هادی علیه السلام در شهر سامرا به خاک سپردند. سپس آن کودک به من فرمود: پاسخ‌های نامه‌ها را که در نزد تو است، بیاور.

آنها را به آن کودک دادم و یا خود گفتم: این دو نشانه (۱. نماز ۲. مطالبه نامه‌ها) اما نشانه سوم (خبر از محتوای همیان) باقی مانده است. سپس نزد جعفر کذاب رفتم. او را در حالی که مضطرب بود، دیدم، شخصی به نام حاجز و شاء به جعفر گفت: آن کودک چه کسی بود؟ جعفر گفت: به خدا سوگند هرگز آن کودک را ندیده‌ام و نشناخته‌ام.

ابو الادیان می‌گوید: ما نشسته بودیم. ناگاه چند نفر از قم آمدند و جویای امام حسن عسکری علیه السلام شدند، دریافتند که آن حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: امام بعد از او کیست؟ مردم آنها را به سوی جعفر

راهنمایی کردند.

آنان بر جعفر سلام کردند و به او تسلیت و تهنیت گفتند و عرض کردند: همراه ما نامه‌ها و اموال است، به ما بگو نامه‌ها را به چه کسی فرستاده و اموال چه مقدار است؟!

جعفر برخاست در حالی که لباسش را می‌تکاند گفت: از ما علم غیب می‌خواهید؟ و بعد بر آنان پرخاش کرد.

درست در این بحران بود که یکی از خدمت گزاران حضرت مهدی علیه السلام از بیت امامت بیرون آمد و خطاب به کاروانیان، نام یک یک نویسندگان نامه‌ها را بر شمرد و هم به آنان پاسخ داد: در میان، یک هزار دینار است و ده دینار آن نیز سگه‌های قلبی است.

اهل کاروان که حق را پیدا کردند، شاد شدند و گفتند: همان وجود گرانمایه‌ای که تو را به سوی ما فرستاده است، او امام راستین و جانشین حضرت عسکری علیه السلام است و نه دیگری.

همه اموال را به همراه نامه‌ها به فرستاده امام (عج) تقدیم کردند.

ابو الادیان می‌گوید: من نیز سومین نشانی را که مولایم امام حسن عسکری علیه السلام داده بود به چشم خویش دیدم.^۱

از این حکایت چنین نتیجه می‌گیریم که شناخت امام علیه السلام باعث شد که شیعه‌ها به سوی حق بشتابند.

ثمره دوم

یکی دیگر از ثمرات امام شناسی این است که اگر کسی امام علیه السلام را

۱. سرگنامه آل محمد، نقل از کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۰ تا ۱۵۲.

بشناسد، دینش را گم نمی کند.

امام صادق علیه السلام در روایت طولانی به زراره چنین فرموده است:
 ای زراره! خداوند با غیبت امام زمان علیه السلام می خواهد شیعه را امتحان
 نماید. آنان که اهل باطلند، در آن زمان شک خواهند کرد.
 زراره می گوید: آقا فدایت شوم! اگر آن زمان را درک نمایم، چه
 کار انجام دهم. تا گمراه نشوم).

حضرت فرمود: ای زراره! این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ،
 اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ، لَمْ أَعْرِفْ
 حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ
 أَنْ دِينِي»؛^۱

بار خدایا! ذات خودت را به من بشناسان که اگر خودت
 را به من نشناسانده بودی پیامبرت را نشناخته بودم.
 بار الها! پیامبرت را به من بشناسان، که اگر پیامبرت را به
 من نشناسانده بودی، حجّتت را نشناخته بودم.
 خداوندا! حجّت و دلیل خود را به من بشناسان، که اگر
 حجّت خویش را بر من نشناسانده بودی، از دین
 و دینداری راستین گمراه شده بودم.

سوال: حال که دست ما از امام زمان علیه السلام کوتاه است و ایشان را
 نمی بینیم، وظیفه ما چیست، چه کنیم تا دینمان را گم نکنیم؟

جواب این است که خداوند حجّتش را بر ما شناسانده است، اگر حجّت را نمی‌شناختیم، دین را گم می‌کردیم، حجّت و امام زمان علیه السلام نیز ما را راهنمایی کرده و در جواب نامه «اسحاق بن یعقوب» که بوسیله دوّمین نائب خاصّ «محمد بن عثمان» به او رسیده بود، این چنین نوشته بودند:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ، فَازْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ».

و اما در مورد رویدادها و جریاناتی که در آینده رخ خواهد داد، به راویان حدیث ما رجوع نمایید، زیرا آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان می‌باشم.

مرحوم طبرسی در احتجاج از امام حسن عسکری علیه السلام حدیث مفصّلی را نقل نموده است. در آن حدیث آمده است: که امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل نموده که حضرت فرمود:

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ. حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِهِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ، وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلَّهُمْ»؛^۱

اما کسی که از فقهاء، خود و دینش را حفظ کند، و با آرزو و میل نفسی خود مخالفت نماید، و مطیع فرمان مولایش باشد، پس برای همگان است که از او تقلید نمایند، این هم نمی‌شود مگر برای بعضی از فقهای شیعه، نه همه آنان.

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ابواب صفات القاضی، باب ۱۰، ح ۲۰.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام به عمر بن حنظله می فرماید:

«أَنْظُرُوا مَنْ كَانَ مِنْكُمْ، قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا، وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا، وَعَرَفَ أَحْكَامِنَا، فَارْضُوا بِهِ حُكْمًا، فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا، فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ، فَإِنَّمَا بِحُكْمِ اللَّهِ اسْتَخَفَّ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ، وَرَأْدٌ، عَلَيَّ اللَّهُ وَهُوَ فِي حَدِّ الشَّرِكِ بِاللَّهِ»^۱

باید برای حل اختلاف، از خودتان (شیعه‌ها) کسی را انتخاب کنید که حدیث ما را روایت کرده باشد و حلال و حرام ما را بشناسد، و احکام ما را بداند. پس به حکمیت او راضی شوید که همانا من چنین کسی را بر شما حاکم قرار دادم، پس وقتی که او به حکم ما حکم کند و از او پذیرفته نشود، استخفاف به حکم خدا و رد بر ما کرده‌اند و کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده است و آن هم در حد شرک به خداست.

در نتیجه اگر کسی به فرمایش امام صادق علیه السلام و امام زمان علیه السلام عمل نماید، و در عصر غیبت به فقهای راستین شیعه رجوع نماید، دینش را گم نمی کند.

ثمره سوّم امام شناسی

یکی دیگر از ثمرات امام شناسی این است که امام شناس در سختی‌ها و مشکلات به امام پناهنده می شود. در این رابطه امام صادق علیه السلام فرموده که خداوند متعال به حضرت آدم علیه السلام وحی نمود:

«فَاتِي لَمْ أَدَعِ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ يَعْرِفُ بِهِ طَاعَتِي وَ دِينِي وَ يَكُونُ نَجَاةً لِمَنْ أَطَاعَهُ»^۱

همانا من روی زمین را بدون عالم ترک نکرده‌ام، با عالم طاعت و دین من شناخته می‌شود و هر کس از عالم اطاعت نماید، عالم برای او نجات و پناه گاه است.»

نمره چهارم

نمره دیگر این است که امام شناس نادان و کافر از دنیا نمی‌رود.

مرگ کفر و جاهلیت

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَ دَهْرِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»^۲

کسی که بمیرد، امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

همچنین در روایت دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: به جاهلیت کفر، نفاق و گمراهی مرده است.

نیاز به امام هنگام مرگ

ابی‌الیسع از امام صادق علیه السلام، درباره حدیثی که ذکر شد، می‌پرسد و امام صادق علیه السلام در جواب می‌فرماید: زمانی که نفس انسان به اینجا

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۱۸۲.

برسد (و با دست به سینه اش شاه کرد)، بیشترین احتیاج را به آن خواهد داشت. (یعنی به شناخت امام خود). آنگاه فرمود: عقیده تو ای ابی الیسع! در این مورد درست است.^۱

آخرین لحظات امام شناسی

سَدِیر صَبْرَفِی (یکی از یاران امام صادق علیه السلام) می گوید:

به حضرت عرض کردم: فدایت شوم، ای فرزند پیامبر!

آیا مؤمن از قبض روح و مرگش ناراحت می شود؟

فرمود: نه، «وَاللَّهِ إِنَّهُ إِذَا آتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضِ رُوحِهِ جَزَعٌ عِنْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ لَهُ

مَلَكُ الْمَوْتِ: يَا وَدِي اللَّهِ! لَا تَجْزَعُ فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَأَنَا أَكْبَرُ بِكَ وَأَشْفَقُ عَلَيْكَ

مِنْ وَالِدٍ رَحِيمٍ لَوْ حَضَرَكَ، افْتَحَ عَيْنَيْكَ فَانظُرْ!؛ به خدا سوگند! هنگامی که

فرشته مرگ برای قبض روحش می آید، اظهار ناراحتی می کند، فرشته

مرگ می گوید: ای دوست خدا! ناراحت نباش! سوگند به کسی که

محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مبعوث کرده من بر تو مهربان ترم از پدر مهربان، چشمانت

را باز کرده و ببین.

او نگاه می کند، رسول الله، امیر مؤمنان، فاطمه زهراء، امام حسن،

امام حسین و امامان از ذریه آنان علیهم السلام را می بیند، فرشته ای به او می گوید:

نگاه کن، این رسول خدا، امیر مؤمنان، فاطمه زهراء، امام حسن، امام

حسین و امامان علیهم السلام دوستان تو اند.

او چشمانش را باز می کند و نگاه می کند، ناگهان گوینده ای از

سوی پروردگار بزرگ ندا می‌دهد و می‌گوید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ﴾ ای کسی که به محمد و خاندانش اطمینان داشتی! باز گرد به سوی پروردگارت، در حالی که تو به ولایت آنها راضی هستی، و او با ثوابش از تو خوشنود است، داخل شو در میان بندگان یعنی محمد و اهل بیت او داخل شو در بهشتم، در این هنگام چیزی برای انسان محبوب‌تر از آن نیست که هر چه زودتر روحش از تن جدا شود و به این منادی پیوندد.^۱ پس از چند سال انتظار، در کنار پیامبر خدا، علی، زهرا، حسن و حسین و امامان دیگر چهره‌ای دل‌آرای مهدی علیه السلام را می‌بیند.

طلوع خورشید از کعبه

آبان بن تغلب^۲ می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرموده است:

«إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَبَايِعُ الْقَائِمَ علیه السلام جَبْرَائِيلُ، يَنْزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيض، فَيَبَايِعُهُ ثُمَّ يَضَعُ رِجْلَهُ عَلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَرِجْلَهُ عَلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ، ثُمَّ يَنَادِي بِصَوْتٍ ذَلِيقٍ، تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ: أَيُّ أَمْرٍ اللَّهُ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۳

اول کسی که به قائم علیه السلام بیعت خواهد کرد، جبرئیل است.

۱. فروع کافی، ج ۳، ص ۱۲۷.

۲. آبان بن تغلب، مردی جلیل‌القدر، امام سجاد، امام باقر، امام صادق را درک کرده، و امام باقر به وی فرمود: در مسجد مدینه بنشین و مردم را فتوی ده که من دوست دارم در میان پیروانم شخصی چون تو دیده شود و چون مرگش به امام صادق رسید، فرمود: به خدا سوگند! مرگ آبان دل من را به درد آورد.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۸.

اودر چهره‌ی پرنده سفیدی از آسمان فرود می‌آید و با آن حضرت بیعت می‌کند. آن گاه یک پا بر بیت الله الحرام و پای دیگر بر بیت المقدس می‌گذارد و با ندای زیبا و رسایی که همگان آن را می‌شنوند می‌گوید: «آیِ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ».

فرمان خدا رسید عجله نکنید آن را.

مرحوم بحرانی رحمته الله همین روایت را بیان کرده است، ولی با اضافه این مطلب که حضرت فرمود:

«فِيخْضُرُ الْقَائِمُ فَيَصِلِي عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَنْصَرِفُ وَ حَوَالِيَهُ أَصْحَابُهُ وَ هُمْ ثَلَاثِيَاثُهُ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا»^۱.

قائم رحمته الله حاضر می‌گردد و نزد مقام ابراهیم دو رکعت نماز می‌خواند، پس از فارغ شدن از نماز ۳۱۳ نفر از یارانش در اطراف حضرت جمع اند.

و چهار نفر از یاران امام مهدی رحمته الله از پیامبران خواهند بود:

۱ - حضرت عیسی رحمته الله.

۲ - حضرت ادریس رحمته الله.

۳ - حضرت خضر رحمته الله.

۴ - حضرت الیاس رحمته الله.

حضرت پنجشنبه ظهور می‌نماید و جمعه وقت نماز ظهر خروج و

در بعضی از روایات شنبه خروج خواهد کرد.

در حالی که لباس سفید در تن خواهد داشت و دو انگشتر یکی از امام حسن علیه السلام که نقش آن: «أَبِي وَائِقُ بِرَحْمَتِكَ» و دیگری از امام حسین علیه السلام که نقش آن «أَنَا مُسْتَجِيرٌ بِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ» و ذوالفقار علی علیه السلام در دست، با سه پرچم خواهد آمد، بر یکی نوشته شده: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱ بر دیگری: ﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾^۲

و بر سومی هم نوشته شده است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ وَليُّ اللَّهِ وَوَصِيٌّ رَسُولِهِ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ وَنِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الحُسَيْنِ حُجَّجُ اللَّهِ»^۳.

مضطر کیست؟

ابو خالد کابلی می گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرموده است: «وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ علیه السلام وَقَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ ثُمَّ يَنْشُدُ اللَّهَ حَقَّهُ... قَالَ علیه السلام: هُوَ وَاللَّهِ الْمُضْطَرُّ فِي كِتَابِ اللَّهِ فِي قَوْمِهِ ﴿أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۴»

به خدا سوگند! گویا قائم علیه السلام را می بینم که پشت به حجرالاسود زده و خدا را به حق خود می خواند...

۱. مائده، ۳.

۲. انسان، ۳.

۳. معجزات چهارده معصوم علیهم السلام، حسن سلطان محمد، ص ۴۰۵.

۴. نمل، ۶۲.

۵. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۴.

سپس فرمود: به خدا سو گندا! مضطر در کتاب خدا در آیه «أَمَّنْ
مَجِيبٌ...» او است.

در حدیثی صالح بن عقیبه از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند که
حضرت فرمود:

«نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ
رَكَعَتَيْنِ وَدَعَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَجَابَهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُهُ
خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ»؛

این آیه در مورد حضرت مهدی علیه السلام از آل محمد علیهم السلام نازل
شده است. به خدا سو گندا! مضطر او است، هنگامی که
در مقام ابراهیم دو رکعت نماز به جای می آورد و دست
به درگاه خداوند متعال بر می دارد خداوند، دعای او را
قبول می کند، ناراحتی ها را بر طرف می سازد و او را
خلیفه روی زمین قرار می دهد.

مرثیه حضرت، هنگام ظهور

مرحوم شیخ علی یزدی رحمته الله در کتاب الزام الناصب می نویسد: روزی
که حضرت از پس پرده غیب بیرون بیاید، در کنار بیت خدا، بین
حجر الاسود و مقام ابراهیم می ایستد و صدا می زند: «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! أَنَا
الْإِمَامُ الْقَائِمُ، أَنَا الصَّمْنَامُ الْمُنْتَقِمُ»؛ ای اهل عالم! منم آن امام قائم، منم آن
شمشیر انتقام گیرنده.

سپس می‌افزاید:

«أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا، أَلَا يَا أَهْلَ
الْعَالَمِ! إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ طَرَّحُوهُ عُرْيَانًا، أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ! إِنَّ جَدِّي
الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عُذْوَانًا»؛^۱

ای اهل عالم! جدّم حسین را با لب تشنه کشتند، ای اهل
عالم! بدن جدّم حسین را (بعد از کشتن) برهنه و عریان
روی خاک کربلا انداختند. ای اهل عالم! بدن جدّم
حسین را پایمان سم اسبان نمودند.

به ناله‌های مهدی یا الله

أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ... پروردگارا! امید ما را زودتر برسان.

خدایا! پریشانی‌های ما را دور کن.

خداوندا! قلب ما را با قدم مهدی منور گردان

آمین یا ربّ العالمین!

تشنگی

گفتم با من حرف بزن؛ آرام گفتی:

شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند و گرنه دعا

می‌کردند و فرج می‌رسید.

ماء معین من، شیعیانت هنوز آنگونه که باید تشنه تو نشده‌اند، تا

برای فرجت از دل دعا کنند.

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲؛ معجم الملاحم والفتن، ج ۴، ص ۳۵۹.

شیعیان تشنه دنیایند و دنیا را حتی بدون تو دوست می‌دارند.
 ماء معین من؛ شیعیان هنوز لذت گمنامی در کوی تو را
 نچشیده‌اند و به دنبال نام و ننگ‌های اعتباری می‌دوند. شیعیان فریاد
 سکوت را نمی‌شنوند و تو را برای خویش فریاد می‌زنند.
 شیعیان حاضر نیستند در مسیر تو رنج بکشند. حاضر نیستند رنج
 تشنگی را تحمل کنند.
 شیعیان خود را از لذت‌های زودگذر سیر می‌کنند و به محض
 تشنگی رنگ لذت را تغییر می‌دهند.
 شیعیان در تاریکی برای خود مأمن ساخته‌اند و خبر از حمله
 گرگ‌های شب ندارند.
 شیعیان از نور خورشید فرار می‌کنند، چرا که نور آنها را تشنه تو
 می‌کند و این تشنگی گران است.
 این تشنگی گران است، چرا که برای سیراب شدن از چشمه
 بی‌منتهای وصال، باید رنج انتظار یار را تحمل کرد.
 چرا که باید با وجود تشنگی طعم هیچ حرام آرامش بخشی را
 نچشید.
 چرا که باید چشم پوشید از همه ستاره‌های فریبنده و همه ماه‌های
 رسواکننده.
 این تشنگی جهاد اکبر (مبارزه با نفس) را می‌طلبد و مردهای راه
 اند کند.

به امید ظهور دولت یار

ما منتظریم از سفر، برگردی
یکروز شیبه رهگذر برگردی
با کاسه‌ی آب و مجمری از اسپند
ما آمده‌ایم پشت در، برگردی
وقتی سر شب که رفتت را دیدیم
گفتیم نمی‌شود سحر، برگردی؟
ما منتظر تو ایام آقا، نکند
یک جمعه غروب بی‌خبر برگردی
من گوشه نشین کوچه‌ی برگشتم
ای کاش که از همین گذر برگردی
پرواز نمی‌کنیم از اینجا، باید
در فصل نبود بال و پر برگردی
وقتش نرسیده است ای مرد ظهور
با سیصد و سیزده نفر، برگردی؟

اللهم عجل لولیک الفرج

دعای عهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ
مُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظُّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنزِلَ الْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَبُومُ أَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ
الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا حَيَّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيَّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيَّا حِينَ لَا
حَيَّ يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَتُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا
الْأَمَامَ الْهَادِيَ الْمُهْدِي الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ
عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَ
بَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَعِنِّي وَعَنْ وَالِدِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ
وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُكَ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ
مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي غُنْفِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ
أَبْدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي
قَضَائِهِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَمَلِّينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَيَّ إِرَادَتِهِ وَ

الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ
 عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَرِيٍّ مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرِّدًا قَنَاتِي
 مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالنُّورَةَ
 الْحَمِيدَةَ وَالْحَمْلَ نَاطِرِي بِنَظْرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ
 أَوْسِعْ مَنَهْجَهُ وَاسْلُكْ بِي مَحَبَّتَهُ وَانْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَرْزَهُ وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ
 بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
 بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِئِكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسْتَمِي بِاسْمِ
 رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ وَ
 اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَتَجِدُّدًا
 لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ
 مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَيَّ دَعْوَتِهِ وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ
 اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ
 يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَتَرِيَهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

از همین مؤلف منتشر شده است.

طلوع مهر امام غائب عج جلد اول چاپ سوم

به زودی از همین مؤلف منتشر می شود انشاءالله:

۱ - طلوع مهر امام غائب عج جلد دوم

۲ - کلید رزق و روزی

۳ - گل های جاویدان

۴ - اعتکاف مکتب خود سازی

۵ - از استامبول تا کربلا

۶ - از دبی تا مشهد مقدس

۷ - چهارده گفتار

۸ - بررسی فلسفه حجاب

۹ - مبانی الخمس عربی

۱۰ - سیره چهارده معصوم علیهم السلام

۱۱ - از ابوظبی تا مدینه

۱۲ - داستانها و حکایتهای واقعی

۱۳ - رمضان ماه خود سازی

۱۴ - خواهد آمد (کتاب حاضر)